

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

پیکار

۷۶

سال دوم - دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۵) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات بک سرباز (۷) صفحه ۲۱
- حزب توده و مسئله عراق تجسمی از بوقلمون صفتی و این وقتی! صفحه ۱۳
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۹

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین ستاد مشترک ارتش کیست؟

۸ صفحه

امپریالیستها و سوداگری اسلحه

کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق

حکمی که اکنون رژیمهای ایران و عراق سراه انداخته اند هر روز که میگذرد، دامنه سستی خود گرفته و پیش از پیش، زخمگنان و سوززه کارگران دو کشور را به بدبختی و فلاکت میکشد. سابق حاله در طی حدود سه هفته جنگ ایران و عراق، اکنون بخوبی نشان داده است که سبب کارگران دو کشور بیشترین صدمه را از اس جنگ می بینند و کلیه عوارض نگفتناز جنگ بر آنها منگردد. حال سببیم که کارگران در جنگ سس سرما به داران دو کشور، چگونه قربانی سس سوظنه های امپریالیسم و اهداف توسعه طلبانه و مدخلی رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق میگردد؟ سرمایه داران هر دو کشور، کارگران و زخمگنان و مرزندان آنها را به همان همانداخته اند

بفجه در صفحه ۷

یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطا الهه برآزنده را گرامی بداریم

۵ صفحه

توجه ملی مناطق جنگ زده از جنگ بیروند

کروانی از شهرهای امدان و حرمشیر تا تاریخ ۵۹/۷/۷

کشتار ویرانی، توپخانه و... دستاورد جنگ ایران و عراق برای زخمگنان

سوسیال امپریالیسم شوروی تا مین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق

۱۰ صفحه

جنگ غیر عادلانه چیست؟

۹ صفحه

لینن سگفت طفلیگری از حمله قومیات امپریالیسم بوده و سوداگری تسلطاتی یکی از موارد این طفلیگری می باشد. امپریالیستها برای اعمال ستمگری سیاسی - اقتصادی برای تقسیم و گسترش مناطق نفوذ و برای تا مین هر چه بیشتر سودهای کلان، تا گزیر به اعمال زور میبایند و یکی از اشکال این اعمال زور سوداگری کردن جنگ و با دامین زدن به آن است. برای تحقق این امر کارخانجات اسلحه سازی امپریالیستی ایواریس اعمال زور را فراهم میبازند و تسلط امپریالیستی به تنها در خدمت اهداف نجا و ز - کارانه مستقیم امپریالیسم است بلکه علاوه منع درآ مدسرتاری برای این جهانگواران بشمار می آید.

امپریالیستها (اعم از امپریالیسم آمریکا سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیستهای اروپا شرقی) از طریق سوداگری تسلطاتی سالانه میلیاردها دلار جنگ میا ورنند. اگر ارکسو تخصیص بخش مهمی از بودجه نظامی به خرید اسلحه

بفجه در صفحه ۲

مشتی از خروار: اشاره ای به جنایات بعثی ها در عراق

۱۱ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رژیم جمهوری اسلامی دست بدامن امپریالیسم فرانسه میشود

رژیم است که شب و روز در بلندگوهایش به فحاشی می‌پردازد و محتوای آن علیه کشورهای امپریالیستی و از جمله فرانسه مشغول است ولی در ادامه جنگ غارتگران به سر علیه خلقهای ایران و عراق، برای تجهیز و تکمیل تسلیحات مدرن خود دست بدامن امپریالیستهای فرانسه می‌شود.

افغانستان، ترکیه و... نیز هر یک میکوشند تا به قیمت فلاکت و زحمتکشان یک زرادخانه نظامی در کشور خود ایجاد کنند. آری جنگ ارتجاعی ایران و عراق با زار خوبی برای فروشندگان اسلحه، این سودگران مرگ ایجاد کرده است. همانطور که دیروز جنگ سومالی و اتیوپی، عراق و کویت، هندوپاکستان، ترکیه و یونان با زار خوبی برای امپریالیستها و سوسیال امپریالیسم بوجود آورده بود. سفارشات جنگی و نظامی این کشورها میلیاردها دلار نصیب سودگران اسلحه کرده است ولی ما میدانیم که هر فرار داد نظامی جهت خرید اسلحه تمهیدات انقباض طلبانه دیگری را نیز به همراه می‌آورد، ارسال مستشاران نظامی و جاسوس از جانب امپریالیستها، خرید قطعات بدکی از انحصارات، گرفتن وامهای امپریالیستی، انعقاد دیمپانههای دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی از جمله تمهیدات الزام آوری است که کشور خریدار اسلحه می‌بایست رعایت نماید. بدین ترتیب امپریالیستها میکوشند تا با فروش اسلحه کشورهای دیگر را هر چه بیشتر به اسارت خود در آورند و به پروا هیچ است رژیم‌هایی که بر روی چنین خطی راه میروند تضمین کننده استمرار منافع سودگران بین المللی اسلحه می‌باشند. آری چنین رژیم‌هایی با خرید اسلحه امپریالیستی، با سرکوب خونین انقلاب، بسا قربانی نمودن جان و مال زحمتکشان، در رنگهای نحیف طفیلیگری امپریالیستی خون تازه میدهند آری رژیم جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری عراق چنین میکنند!

- ایران از فرانسه درخواست تعمیر هلیکوپترهای نظامی خود را کرد و برای این منظور بسا کارخانه‌ها و سازمانها قرار دادی می‌بندد. (خبرگزاریها)
 - شوروی مقادیر زیادی اسلحه و مهمات برای عراق فرستاد، این اسلحه‌ها در عقبه تخلیه و از طریق اردن برای عراق فرستاده میشود. (انقلاب اسلامی ۱۵ مهر)
 - عربستان از آمریکا ۴ هواپیمای آواکس (رادار پیونده) که گرانترین هواپیمای جهان است خریداری کرد (جمهوری اسلامی ۱۵ مهر).
 - شوروی، مدناک بی - ۷۲ به عراق داد. (مذاکرات نخست وزیری و سفیر شوروی)
 - شوروی کارشناسان نظامی خود را به اردن فرستاد. (خبرگزاریها)
 - لیبی و سوریه با اسلحه شوروی به اسیران کمک میکنند. (خبرگزاریها)
- طبیعی است در ادامه این خرید و فروش تسلیحاتی، کویت، شیخ نشینهای عربی، پاکستان

توضیح و توضیح:
در شماره ۷۵ کتابی از آلکساندر کولونای زین انقلابی و بلشویک روسیه معرفی کردیم که متأسفانه طرح روی جلد کتاب بطور واضح چاپ نشد. عنوان کتاب "زن کارکن و مادر" است از انتشارات کمیته زنان سازمان بنکار در راه آزادی طبقه کارگر.

بقیه صفحه ۱ امپریالیستها...
از امپریالیستها توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته، یکی از منابع مرسوم اسلحه... ری تسلیحاتی امپریالیستی است. از سوی دیگر جنگهای ارتجاعی، محلی، منطقه‌ای و غیره فرصت طلایی و عالی است که امپریالیستها بیش از پیش به سودهای غارتگران خود بسیار فزایند. اما پسر واضح است که امپریالیستها با فروش اسلحه علاوه بر سودهای کلان اقتصادی هدف سرکوب جنبشها و انقلابات و بلوغ کشیدن توده‌های ستمکشان را نیز تعقیب میکنند.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری است تا امپریالیستهای تبهکار از طریق سوداگری تسلیحاتی و دام زدن به این جنگ ارتجاعی اهداف خود را تعقیب نمایند. اگر این جنگ برای زحمتکشان ایران و عراق فلاکت و کشتار به ارمغان می‌آورد، در عوض برای صنایع اسلحه سازی امپریالیستها سودهای هنگفتی به همراه می‌آورد امپریالیستها با خرید اسلحه‌های جدید دولتهای متخاصم را به خرید اسلحه‌های جدید تشویق نمایند و دولتهای ارتجاعی منطقه‌ای و جمله رژیمهای عراق و ایران خواستهای امپریالیستها را پاسخ میگویند و اینان به قیمت محرومیتها و گرسنگی کارگران و سربازان، به قیمت به قیمت خون فرزندان زحمتکشان و به قیمت اسارت بیشتر آنان، با خرید ابزار آلات جنگی و قطعات بدکی نظامی، کیمیه‌های غارت جهانفواران را بر می‌کنند. در اینجا ما نگاهیم به معاملات یک هفته غیر تسلیحات در منطقه می‌اندازیم تا نشان دهیم در برابر کشتار توده‌ها چگونه منافع امپریالیستها تامین میشود:

- ایران از ترکیه (لوموند، ۳ سپتامبر) و کره جنوبی اسلحه و لوازم بدکی می‌خرد (خبرنامه جنگ پیکار شماره ۱). ترکیه و کره هر دو کارگزار امپریالیسم آمریکا هستند و طبیعی است که سود این معامله به حیط انحصارات امپریالیستی می‌رود.
- عراق از فرانسه موثک زمین به هوا می‌خرد. (آرادگان و میزان ۱۷ مهر)



توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

جنبش کارگری



در رژیم جمهوری اسلامی، بیماری خطرناک زحمتکشان غیر ضروری تشخیص داده میشود!

روز یکشنبه ۵۹/۷/۶ یکی از کارگران کوره - بهزخانه دختر بهش را به بیمارستان دکتسر شریعتی میبرد. های دختر که عفونت شدیدی داشته و نا مغز استخوانش رسیده بود برای نجات زندگی دختر بچه میبایست پایش را قطع میکردند. پزشکان پس از معاینه بیمار میگویند دولت دستور داده که از بستری کردن بیمار ان غیر ضروری خودداری شود! از اینرو ما نمی توانیم او را بستری کنیم. آنها آدرس بیمارستان دکتسر فاطمی را به او میدهند. کارگر مذکور با این بیمارستان و بیمارستانهای امام خمینی، فیروزگرد و لقمان الدوله ادهم تماس میگردد ولی هیچ بیمارستانی حاضر به بستری نمودن دختر او نمیشود. کارگر زحمتکش می فهمد که با بد دختر بچه اش را نه خانه ببرد و نه هدمرگ تدریجی او باشد. در حالیکه با یک عمل ساده میشدند دختر بچه را نجات داد. ولی آنها در رژیم جمهوری اسلامی زحمتکشانمان انتظاری غیر از این باید داشتند.

آغا جاری - یورش پاسداران سرمایه به کارکنان صنعت نفت

پیکار، صنعتگر به پیش و معاهدت آنان میبایند این مزدوران سرمایه در مقابل اعتراض کارگران اسلحه های خود را به بیرون کارخانه بسپرده و دوجا ره برای تقسیم بدخل کارخانه بر میگردند و یکی دیگر از کارگران را با خا طریبیدا کردن شریه در کمدش، دستگیر میکنند و میبرند کارگران مبارز برای آزادی دوستانشان به "مقربا ساران می - روند و علی رغم تشبثات پاسداران و حمله سلسله کارگران، نفتگران مبارز در مقابل مفرسپاه - پاسداران متحصن میشوند و شروع به افشاگری متعنا بند. پاسداران پس از بهرونده سازی برای دوکا زگرما رز آنها را به "دادگاه انقلاب" میان - کوه میبرند. نفتگران مبارز برای بشیرد بهتر مبارزه مان و جهت آزاد ساختن رفقای شان، چند نما بنده از بسن خود انتخاب کرده و متحدان سه و متشکل موموع را دنبال میکنند. در این اثنا انما ری "مشول بخش گاز و گازما بچ" کوشش میکند کارگران را با آنها مترک بست از موموع دستگیری دوستانشان منحرف سارده با برخورد آگاهانه و هسپا رانه نفتگران مبارز مواحه میشود و نفتگران مبارزه نرسد متعهد و متشکل خود ادامه میدهند و در مقابل زور و سوطه سرخ نمیکند.

طهر دوشنبه ۲۴ شهریور ۵۹ پاسداران ملحق به کارخانه "ان، جی، ال ۵۰۰" آغا جاری یورش می برند. جلودروردی مانع ورود آنها می - شوند. ولی یکی از افراد فاشلانزگا در صنعت نفت (که بعدا منحن میشود و دوی پاسداران را به بهانه اینکه یکی از کارگران در کمدش اسلحه دارد، غیر کرده بود) با مسئولیت خود آنها را بدون کارخانه راه میدهد. (گو با یکی از کارگران زحمتکش بعلت ابتلا به بیماری روانی چندین بار بطرف همکارانش اسلحه کشیده است ولی رژیم جمهوری اسلامی بجای معالجه پاسداران سرمایه را کسبل میدارند. تا بنانه ای برای سرکوب کارگران آگاه دست آوردن) پاسداران سراع کمد لباس کارگران رفته و قصد تکستن آنها را میکنند ولی با مقاومت کارگران مواجه میشوند. پاسداران سرمایه با صدای تفنگ بجان یکی از نفتگران متعترض می افتد و وی را دستگیر میکنند. هنگامیکه کارگران به دستگیری رفیق مبارزانشان اعتراض میکنند و آنها "مجزوفانوسی" میخواهند کسی از پاسداران جهت گرفتن "مجزوف" به "دادگاه انقلاب" مسرود. در تقسیم پاسداران او بسن تعدادی شتر با متعترضی و انقلابی از حمله کار،

اخراج کارگران مبارز تولیدی زرین تریکو

روزه ۱ شهریور ۵۹ کارفرمایان تولیدی زرین سه نفر از کارگران را بسدون بهانه از کارخانه اخراج کردند ولی با اعتراض این کارگران و تهدید به شکایت پس از دو روز به سرکارها زکشتند ۱۳ شهریور مسئولان کارخانه زرین تصمیم به اخراج ۵ نفر از کارگران دیگر گرفتند که با اعتراض بقیه کارگران روبرو شدند. زرین سرمایه - دار کارخانه که در تنگنای اعتراض قرار گرفته بود حبله همبستگی سرمایه داران را بکار بست وی "کارخانه را بمدت نا معلوم تعطیل اعلام کرد!" کارگران همان روزنا ساعت ۳ بعد از ظهر بطولی کارخانه تحمن گردند و پس از آن دوباره روز ۱۵/۶ به جلوی کارخانه آمده و تجمع کردند. کارفرما بان که تمیخواستند کارخانه را با زکشتند، با اعتراض محدود کارگران روبرو شدند. کارگران بلافا طه خواسته ۷ ماده خود را که شامل اضافه حقوق ۴ گرفتن حق ممکن، حق اولاد، تشکیل شوراهمچسین اخراج یکی از سرپرستان بود، بدیوار نصب کردند. پس از آن کارگران به وزارت کار هم شکایت کردند ولی جواب وزارت کار "ذبح شرعی طبق ماده ۳۴ بود" در این مدت مادفی که برادرش در کمیته ۲ گیشا ست توانست یکی از کارگران را به کمیته برده و از او با زحوشی بکنند. مبارزه کارگران اخراجی هنوز ادامه دارد.

فعال با لاینگاه است که در هر نوبت کار خد افسل ۵۰۰ نفر کارگر و افراد دنگرد در آن محل مشغول بکارند. و در صورت پرتاب راکت یا تلبسک هوا بسپاهای رژیم بعثت تعداد زیادی از زحمت - کشان کشته و زخمی خواهند شد. عده ای از کارگران معتقدند که می بایست محل کار به جای سیختری منتقل شود. با درسیرون با لاینگاه به تعمیر اتومبیلهای مختلف مشغول شوند اما مسئولین فردای آن روز طرحی تهیه میکنند که با صلاح جانف ایمنی کارگران است. آنان کارگران را به دونیفت تقسیم میکنند: ۱- روز کار (از صبح تا ۶ عصر) - ۲- شب کار (از ۶ عصر تا صبح) این طرح با مخالفت اکثریت کارگران روبرو شد ولی با فشار و فریب آنان را مجبور به قبول آن کردند این طرح هم اکنون اجرا میشود و حضور و عماب مکرر! و با مدت هر روز انجام میگردد. آری، جان کارگران برای رژیم سرمایه داران حماررشی دارد؟

جان کارگران برای رژیم ارزشی ندارد

آبادان - حدود ساعت ۱۱ صبح دوشنبه ۱۴ مهر یک فرزند یک عوامی از فرزندان لاینگاه پروا زکسرد که پس از عبور آن در اثر انفجار "کت کراکسر" (C-C-U) او دود غلیظی بر خاست که بعد از یکسی دو ساعت خاموش شد. هنوز یک ربع نگذشته بود که دو میک عوامی در حال سرکشت به خاک عراق بسمت پتروشیمی راکتی پرتاب کردند که عمل نکرد. آنها از ارتفاع بسیار کم پروا میکنند آتش - بارهای ضد هوایی پس از عبور آنها چند تیر شلیک کردند. کارگران پتروشیمی لباسهای کار خود را در آورده و لباسهای خود را پوشیدند و همگی می گفتند که محیط کار خطرناک است. دوسن از اعضای "انجمن اسلامی" مطرح میکردند که "آسحا هم بهر حال جنبه جنگ است و با بدکارا کرد." قسمت "کارا ز" با "عمل و نقل" تنها بعش

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری وتوده‌ای

بر اجرای وظایف سراسر ما صرفاً تحت آن تا کید
داریم و دیگر آن انعکاسی از آن کدماست. تا سبیا
در سراسر راه‌های بعد برای ساخت همه‌جا نباشد و
ما رگبستی نسبت به وظایف، آسراست و توضیح

می‌دهیم:

- ۱- در شرایط کمونیستی، دلیل اعتدالی جنبش
توده‌ای، فعالیت تبلیغی و شرکت فعالانه در
مبارزه روزمره بوده‌ها بخش عمده فعالیت ما را
تشکیل میدهد. در عین حال اس امر معنی
کم بها دادن به جنبش سوسیالیست است.
- ۲- جنبش توده‌ای عموماً اعتدالی روزافزون
جوش از توهم و سعی نیست به هیئت حاکمه
برخورد آورده و هست (اگر چه روز بروز از آن
اس توهم کاسته می‌شود، بنا بر این برای فرو-
ریختن توهم بوده‌ها و گسترش اعتدالی انقلابی
مهمترین و محوری ترین وظیفه کمونیست‌ها
افتاگری همه‌جا به ساسی هیئت حاکمه برای
توده‌ها و تبلیغ فعالانه آلترا سوسیالیست‌هاست.
- ۳- بدون شرکت فعال در مبارزه طبقه کارگر و
توده‌های زحمتکش، بدون شرکت در جنبش‌های
اعتراضی، بدون دامن زدن به آنها، هدایت و
ارتقاء آن، بدون افساس بودن جریانه‌های انحرافی
و تا لاف زدن و تملق آکا هیئهای سوسیالیستی
و دمکراتیک با اس جنبش‌های خود بخودی و
مبارزه سرسختانه برای رها شدن جنبش طبقه
کارگر و سوسیالیست‌ها از زیر نفوذ رهبری بورژوازی
و خرده بورژوازی و کلبه ریز سوسیالیست‌ها و
سازندگان و توضیح ضرورت مبارزه فقه‌آمیز
علیه کلبه رژیم‌هایی که حافظ نظام استعمارگرانه
سرما نه‌داری اند، سختی آریزوری انقلاب
سیموا نه‌درمان نماند، بنا بر این هرگونه سهل-
انگاری و درنگ در شرکت در جنبش‌های اعتراضی
بمنظور جهت دادن و ارتقاء آن، شروع برخورد
با سوسیالیستی و روس‌فکرانه نسبت به مبارزات
جاری، بهرنگلی که باشد (اعم از فعال، عمده
نمردن کار رتئویک و غیره) جز در حد سرما نه-
داری حاکم نیست. با توجه به اوضاع حاد مبارزه
طبقه سوسیالیست‌ها و وظیفه دار شدن این جنبش یا
بنا م‌فول، بدون کوچکترین کم‌کاری و بنا تحت
هرچه سرما مزدور کلبه مبارزات احدا می‌سی از
کوچکترین حرکت اعتراضی گرمه‌ها بزرگترین
جنبش‌های اعتدالی، شرکت فعال نمانند، سبها

جریانه‌های سیاسی و اعمادی ما همه‌جا
گسترده می‌شود. هیئت حاکمه ضد خلقی از
پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازهای توده‌ها عاجز
است. جناح‌های مختلف حکومت (حزب جمهوری
اسلامی، ریکتور و بیسی مدرو و لیبرال‌ها از طرف
دیگر) برای کسب قدرت بیشتر با هم مبارزه می-
کنند. سوهم و غوغی‌هایی بوده‌ها نسبت به حکومت
تا حدی نیکسندند است. ریز سوسیالیست‌ها (حزب
توده و فدائیان اکثریت) میکوشند در قدرت
سیاسی سهم توند و با آسرا بدست گیرند. دار و
دسته‌های حاشیختار و اوسمی میکوشند کودتا
کنند و قدرت را بدست گیرند. از طرف دیگر
مخادین خلق نیز با گرایشات لیبرالی‌شان سعی
میکند سبیا تکا، سازش با لیبرال‌ها در قدرت سهم
نوند جنگ بین ایران و عراق، آگسرسره
بر سبیا تلی که سرودیم تا حدودی با نفاکتسند
است ولی مسلماً مبارزه برای کسب قدرت سیاسی
در جا همه ما را به نسبتا تخفیف نمیدهد بلکه تشدید
نیز خواهد کرد. اینها همه ما را بر آن میدارد که
با تمام قوا به سازمان‌دهی نیروهای خود بپردازیم
و خط منی و برنامه‌ها سازمان‌دهی تشکیلانی خود
را هر چه وسعتر به میان توده‌ها ببریم و برای
رهبری بودن مبارزات آن‌ها فعالانه بکوشیم.
مسئله وظایف عملی کمونیست‌ها که همواره
بخش وسیعی از فعالیت آن‌ها را در بر میگیرد
زمانیکه جنبش انقلابی اوج میکشود بیش از
پیش اهمیت می‌یابد و در دستور کار قرار میگیرد
ما ضمن برخورد انتقادی به "پیکار" که در گذشته
نگوشیده‌است بخش سازمان‌دهی جنبش توده‌ای و
آموزش وظایف سیاسی - تشکیلانی به هواداران
را بنحو مطلوب انجام دهد از این پس تلاش می-
کنیم صفحه‌هایی از پیکار به آموزش سیاسی -
تشکیلانی و سازمان‌دهی و رهبری و هدایت مستقیم
جنبش توده‌ای اختصاص یابد. با نیکه‌ها برخورد
فعال رفقا بنوا سیم از طریق "پیکار" بیشتر پس
را سبها را با جنبش توده‌ای ایجاد نموده -
ارتقاء آن و شکل سازمان‌دهی توده‌ای بپردازیم.

★ ★ ★

در بخش اول این سلسله مقالات اصلی ترین
وظایف عملی ما را (بمعنای نیروهای مارکسیست
- لنینیست) در قبال جنبش کارگری وتوده‌ای
ذکر خواهم کرد و در قسمت‌های بعدی میکوشیم
تک تک موارد ذکر شده را توضیح دهیم تا رفقا با
شناخت همه‌جا به نسبت به وظایف خویش، با
تمام وجود در اجرای آن بکوشند. همانطور که
میدانیم تنور انقلابی برای مبارزه کافی نیست
بلکه وجود تنوری را همنا و نقشه و برنامه همچون
چراغی است که راه ما را روشن میکند و سبسان
فقط نمایی که ملوانان را در طوفان‌های درسا
بکار می‌آید، ما را در در غلظتین به انحرافات
نازمیدارد. بنا بر این اگر ذکر اسن وظایف ساده
و بدیهی جلوه کند مسئله‌ای نیست. چرا که ما اولاً

بدین ترتیب است که میتوان تنوری را بسب
سلاح مادی تبدیل نمود. و از تلاش در جهت تا مین
هزمونی پرولتاریا به انگای تنوری راهمای
مارکسیسم - لنینیسم سخن گفت.

۴- تبلیغ و ترویج مواج سیاسی - ایدئولوژیک
سازمان در میان طبقه کارگر و سوسیالیست‌ها و در
جنبش کمونیستی جزو اصلی ترین وظایف رفقا
بشمار میرود. این مسئله بخصوص در شرایط وجود
آلترا تئوهای کمونیستی در سطح جامعه (که در
استدای نوشته‌ها با ذکر دیم) و با توجه به
نیودستا در زمینه پرولتاریا، یعنی حزب طبقه
کارگر، اهمیت زیادی پیدا میکند. هم‌اکنون با
توجه به پراکندگی و تشتت سیاسی - ایدئولوژیک
جنبش کمونیستی و وجود انحرافات و گرایشات
ریز سوسیالیستی، تنور سوسیالیستی و... در درون آن
(که خود مانع جدی بر سر راه ایجاد حزب کمونیست
است) و نیود قطب نیرومند کمونیستی چه باید کرد؟
بنظر ما در عین حال که باید مبارزه ایدئولوژیک
را که ضامن وحدت جنبش کمونیستی است
شدت بخشیده‌ها گرایشات انحرافی مبارزه کرد و
در جریان این مبارزه ایدئولوژیک به وحدت
دست یافت، همچنین با بدرفقا با نزه‌های
اکونومیستی و پاسیفیستی مزبندی نمانند و
طرح آلترا تئو کمونیستی را در میان توده‌ها
موکول به وحدت جنبش کمونیستی نمانند.
بر عکس رفقا با بدیکوشند تا تمام آلترا تئو
سازمان را که جزو پیگیری ترین و انقلابی ترین
نیروهای کمونیست است، در میان توده‌ها
جنبش تبلیغ نمانند، تا توده‌ها بتوانند
آلترا تئو سوسیالیستی را برای خویش بجز آنجه
نیروهای سوسیالیست، سازشکار و فدا انقلابیون
عرضه میدارند، ببینند. متأسفانه گرایشات
لیبرالی، اکونومیستی، پاسیفیستی
و انحلال طلبانه در درون جنبش با تمام قوا مانع
از فعالیت مستقل نیروهای جنبش کمونیستی
گردیده‌است. خوشبختانه سازمان توانست ضمن
مبارزه ایدئولوژیک فعال برای انحرافات
غالب شده (دا نخبویان مبارز، کثرفراس وحدت،
برخورد به تزه‌های وحدت، برخورد به مسئله
انتخابات، نشریات فاسریک، هسته‌های
کمونیستی (۱) و...) و تا حدودی به انگای مبارزه
بقه در صفحه ۱۲

(۱) در مورد نشریه فاسریک و هسته‌های کمونیستی
اگر چه کلبه نیروها از موضع ما در قبال این موضوع
در کارخانات و... غیردارند و ما عین همان
موضوعی که در مورد مسئله دا نخبویان مبارز گرفتیم
(نیکه سرتشکلات مستقل م. ل) در مورد نشریه
فاسریک و هسته‌های کمونیستی سرزمین موضوعی
گرفته و سراسر اس عمل می‌کنیم (نیکه سرت
نشریه فاسریک مستقل م. ل و هسته‌های م. ل
مستقل) اما آنرا هنوز در سطح جنبش مطرح
نگرده‌ها هم و بزودی نظریان را منتشر خواهم کرد

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



کشثار و سرکوب خونین
مردم مها با بدست
رژیم جمهوری اسلامی

خلقهای قهرمان ایران!

مها با ددر آتش و خون غرق شده است. جداها
نفر از مردم به دفاع این شهر توسط مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی، بخون خویش در غلطیده اندواز
این طریق رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت جنایت
- کارانه و خوشبخت را در مها با دبر فرار ساخته
است. کمیته کردستان سازمان ما در این مورد
اعلامیه ای منتشر کرده است. ما ابتدا قسمتهائی
از آن را در اینجا میاوریم و بعد خلقهای قهرمان
ایران را در جریان آنچه که طی ۱۱ روز بر مردم
مها با دکشت قرار میدهم:

مردم آگاه و قهرمان ایران!

یک بار دیگر خلق ستم دیده کرد و اینبار مردم
مبارز مها با د مورد بهوش متمرکز و وحشیانه
ارکانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی قرار
گرفتند. و خوشان خاک کردستان را کلگون سر
نمود. بار دیگر ما شین کشتارهای حاکمه که بی-
وقفه در شهرها و روستاهای کردستان جان و زندگی
خلق کرد را به نیستی و نابودی میکشاند. بسا
کلوله باران و خمپاره باران مردم مها با دبر
دیگری بردن جنایت ارتش ضد خلقی و با سدازان
رژیم جمهوری اسلامی افزود....

زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران!

هبات حاکمه جمهوری اسلامی از فروردین
امسال در دو مین یورش سراسری خود به کردستان
بی وقفه به سرکوب و کشتار و وارد آوردن بیشترین
فشار بر خلق کردها دست زده است. ارتش و با سدازان
طی این مدت و در جریان استقرار در شهرهای
جنوبی کردستان که تنها با تکیه بر توت و تانک
و سایر اسلحه های مرگبار و بقیعت خون جدا تنن و
ویرانی خانه و کاشانه آنها انجام گرفت. گذشته
از ادامه حرکت ضد مردمی خود در این شهرها مردم
روستاهای اطراف را نیز به تیغ سرکوب
گرفتند. و در متشانه به نابودی زندگی آنها دست
زدند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به اسن
نیز اکتفا نکرده، هر لحظه به سوطه جینی علیه
مردم شهرهای شمالی کردستان دست زده اند و
برای گسترش یورش به این شهرها نقشه ریختند و
قدم به قدم اجرا آوردند.

آنها در دشمنی خود با خلق کردها که بسا نگر
دشمنی آنان با خلقهای سراسر ایران است در

یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطاء الله برازنده

راگرامی بداریم!

یک دقیقه سکوت

به یاد دهر افتخارش،

با یان سکوت،

با دش گرامی ما با!

ورا هن

همواره پیروز!

و اینک ما

با ران مبارزه کوتاه و پربارش

به صمیمیتش

به پیگیری و مدافعتش

و به شهادت والايش

قسم یاد می کنیم:

که هر روز بیشتر با موزیم

و هر روز مبارزه مان را

گسترده تر سازیم

و تا آنگاه

که آرمان والايش

آرمان کارگران

- جامعه کمونیستی -

تحقق یابد

ازهای نخواهیم نشست.

خلق دلاور کرد! مردم مبارز ایران!

روزشنبه ۵۹/۷/۱۲ رفیق عطاء الله برازنده یکی از
پیشمرگان پر شور و پرتلاش سازمان پیکار، طی
آنجا میگ ما موریت سازمانی در یک درگیری
نا برابریا مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس
از زین در مقامی قهرمانانه به خون خود در غلتید
"تا در لحظه های پیروزی، سر بر آرد بر با م خانه ها
بر دوش کارخانه ها، در قلب کشتزارها".

پیکارگر شهید عطاء برازنده سال ۱۳۳۵ در
روستای علی آباد، در منطقه افتار (کردستان) و
در خانواده ای زحمتکش نداشت اما آمد، دوران
گودگیش در محیطی پر از درد ورنج و در مسکن
نوده های فقیر و ستم دیده دهقان گذشت و با کینه
و نفرتی عمیق نسبت به دشمنان زحمتکشان
بزرگ شد. رفیق هنگامیکه در سنندج در دبیرستان
تحصیل میکرد با مسائل سیاسی آشنا گشت و از



آنجا که زمینه سازی برای جذب ایده های
انقلابی داشت، بزودی به مفعالین سیاسی و
انقلابی پیوست.

رفیق عطاء در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده
دایروری ایلام شد و آنجا که عنصری استوار،
پر شور و صمیمی بودی پروا از فضای سنگین و
غفغان باری که در خمیان آریا مهری ایجاد
کرده بودند در دانشکده به فعالیتهای مبارزاتی
افزود و یکی از فعالین جنبش دانشجویان
انقلابی گردید.

رفیق در دوران قیام متکوهند خلقهای
قهرمان ایران فعالانه شرکت داشت و زجان مایه
میگذاشت و در همین زمان هوادار سازمان شد.
وی با شرکت فعال در جنگ نوروز خونین سنندج
نحارت ارزنده ای آموخت. رفیق بعدا به
دانشکده اش شرکت و در کنار سایر رفقایش به
تبلیغ و ترویج مئی سازمانی که بدان عشق
میورزید پرداخت و مسئولیت چندین هیئت
کارگری و دانش آموزی را بر عهده گرفت.

اوس از مدتی دانشکده اش را رها کرد و
در اساط با دفتر سفرا زمان بصورت یک
بقیه در صفحه ۲۱

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

مهاباد، ۱۱ روز مقاومت قهرمانانه خلق، ۱۱ روز کشتار خلق کرد

مهاباد: غرق در آتش و خون

گزارشی به خلقهای قهرمان ایران



شدند. بلافاصله مردم در مساجد جماعات خود، گروههای امداد تشکیل داده و به مداوای زخمیها پرداختند. عمرا مرزوبیشمرگان رزمنده دمکرات به فرمانداری حمله کردند و همزمان با آن بیشمرگان قهرمان کومله در همان محل یک نفر بر ارتش را با آرزوی بی - حی از بس بردند.

■ ۵۹/۶/۲۸ از ساعت ۱۰ صبح امروز، ارتش و پاسداران در منشانه حملات وسیع خود را شروع کردند. آنها در محل جنبیده ای می دیدند. آن محل را به خمپاره می بستند. با افزایش تعداد خمپاره ها، تعداد شهدا و زخمیها لحظه به لحظه زیاده تر میشد. نزدیکی شب ارتش از طریق راه بسو اعلام کرد که اگر افراد مسلح، سلاح خود را تحویل ندهند، شهر را شعله می دهد. مورد حمله خود را رخنه می داد. هنگام شب یک ستون شامل یک تانک و یک زره پوش و یک ذیل به مقصد راه دیووتلو بیزون از پادگان خارج شد. اما در جها راه مولوی مورد حمله شجاعانه بیشمرگان رزمنده دمکرات قرار گرفت و کلیه افراد آن کشته و زخمی شدند. تمام مهمات و اسلحه آنها، بدست بیشمرگان افتاد. نیروهای ضد خلقی مستقر در تپه "دانا محمد" منطقه را مرتباً خمپاره باران میکردند.

■ ۵۹/۶/۲۹ امروز نیز تا ساعت ۱۰ اوضاع شهر نسبتاً آرام بود. حدود ساعت ۱۰، سرکوبگران خلق کرد، با خمپاره و تفنگ ام - ۱۶ شهر را زیر بارش و حشانه خود قرار دادند. در این حملات تعداد زیادی از مردم بی دفاع کشته و زخمی شدند. شدت حمله کمتر از روز قبیل بود. در هنگام شب بیشمرگان بیگانه رگسایان بیگانه رگسایان رزمنده دمکرات به استناد دیووتلو بیزون حمله کردند و تلفاتی به ضد خلقی مستقر در آن مکانها، وارد ساختند. شهر همچنان زیر خمپاره ها، در آتش و خون غرق بود.

■ ۵۹/۶/۳۰ ساعت ۱۱ صبح امروز راه دیو مهاباد اعلامیه آتش بس مورد توافق پادگان و شورای مساجد شهر را اعلام کرد. در اعلامیه سه شرط از طرف پادگان ذکر شده بود:

- ۱- کوچکترین حرکت از طرف عدانقلاب موجب نابودی شهر میگردد.
- ۲- مسافرین شهر میتواند از طریق حاصه مساندوآب از شهر خارج شوند.
- ۳- به تمام مردم شهر اعلام میدارد که کوچکترین بقعه در مسجده ۲۲

■ ۵۹/۶/۲۴ در این روز دو ستون ارتشی از طریق حاصه های مساندوآب و رضا تپه بطرف مهاباد حرکت کرده و در اطراف شهر در تپه های مشرف به شهر مهاباد "تپه قاضی" و "کوه خزان" مستقر گردیدند. این ستونها در مسیرهای خود دهات اطراف را به توب و خمپاره بستند و موجب سها دت در مهاباد و روستاها شد. در دیدند که از حمله آنها شهادت ۵ نفر سنگ تراش و ۴ بیشمرگه در حاصه رضا تپه بدست نیروهای ضد خلقی بود. آنها همچنین در مسیر حاصه مساندوآب قهوه خانه امیرآب را با راکت مورد حمله قرار داده و موجب زخمی شدن دو بیشمرگه قهرمان شدند. ستونهای مذکور هر یک شامل ۱۸ تانک و تعداد زیادی خودرو بودند.

■ ۵۹/۶/۲۵ صبح این روز یک نفر بر پادگان مساندوآب ارتشی و یک جاش در استادیوم نزدیک پادگان مستقرند. همچنین پاسداران و جاشها بدون هیچ مقاومتی از طرف بیشمرگان در ستاد ارتش در میدان قاضی محمد استقرار یافتند و از ظهر همان روز یک نفر سربوسه خود رو به راه دیووتلو بیزون رفتند.

■ ۵۹/۶/۲۶ ساعت ۱۰ صبح امروز سه نفر پاسدار و ارتشی در چهار راه آزادی توسط مردم دستگیر و وسیله بیشمرگان حزب دمکرات به روستای "لاچین" برده شدند. بعد از این جریان، پادگان مهاباد با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر این سه نفر تحویل پادگان نگردند، ارتش تمام روستاهای اطراف را به توب خواهد بست. با وجود بیایان مهلست تعیین شده، پاسداران و ارتش هیچ عکس العملی نشان ندادند اما آنها در طول روز در خانه بیستاهنگی و بانگ ملی، فرمانداری و دخانیات مستقر شدند تا خود را برای کشتار خلق آماده سازند.

■ ۵۹/۶/۲۷ امروز صبح پاسداران برای نشان دادن حضور خود در شهر، در طول بانگ سپه در خیابان تاهبوری سابق شروع به بازی و دستگیری مردم کردند اما این میزوران مورد حمله قهرمانانه بیشمرگان قرار گرفته و سه تن از آنها در دم کشته شدند. پس از این واقعه ارتش و پاسداران مسافر ذریا دگان و تپه "دانا محمد" شهر و روستاهای اطراف را با خمپاره و تفنگ ام - ۱۶ مورد حمله و حشانه خود قرار دادند که در آن بخش از ۱۰ نفر از افراد دو خان سواد شهید و چندین نفر زخمی

کارتوبلته حشانه های متعدد هر روز بیشتر حلقه محاصره اقتصادی را بر شهرهای مهاباد و سونکان سنگین کرده اند و باعث فشار هر چه بیشتر به جمعیتان این شهرها و روستاهای اطراف شدند (وهسوز میشوند) در ادامه این حرکت ضد مردمی حشون همه کارمندان این دو شهر تا مدت نامعلوم موقوف شد. ارتباط تلفنی ایشان قطع گردید و حشانه راههای عبور و مرور با شهرهای اطراف را بستند و از ورود به شهر و خروج از آن جلوگیری نمودند (وهسوز منمناسند) و با لاجرم حاصه مهاباد و تبدیل آن به یک شهر نیمه ویران، با مصطلح خاکمیت "خود را در آن برقرار ساختند و حشون و آرزو سغمه "پیروزی" سردادند.

ولی کدام پیروزی؟ "پیروزی" در کشتار مردم بیگانه؟ "پیروزی" در انهدا مخانه و کانه و زندگی آنها؟ "پیروزی" در عیانتر کردن دشمنی خود با خلق کرد و همه خلقهای ایران؟ زحمتکشان و خلقهای ایران ساراها سها این با مصطلح پیروزی های دشمنان خود بوده اند این "پیروزی" ها چیزی جز مشخص تر شدن عقاب سق و ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی سرای خلقهای ایران نیست.

امروز بعد از نزدیک به دو سال که از خاکمیت رژیم کنونی میگذرد، توده های هر چه وسیعتری از زحمتکشان میهنمان مشاهده میکنند که این رژیم نه تنها کوچکترین خواسته های آنها را بر آورده نکرده، بلکه هر روز بیشتر به دشمنی و بددیت با آنها می پردازد. سرکوب کارگران، دهقانان دانشجویان در سراسر ایران و از همه با زور تر سرکوب و کشتار و حشانه خلق کرد هر روز بیشتر جنم خلقهای قهرمان ایران را بازمیآید و آنها را برای ادامه انقلاب تا تمام ایران و سراسر انعام رساندن آن مصمم تر میسازد.

خلقهای قهرمان ایران نباید در مقابل سرکوب و حشانه خلق کرد ساکت بنشینند. آنها با بیستی در بیستی تسلیمات عوام قریباً نسه و گسترده رژیم و اقمیت و حقایق فوق را تشخیص دهند و به حمایت و پشتیبانی از خلق کرد بپردازند و صدای اعتراض خود را علیه سرکوب این خلق ستم دیده بلند نمایند.

آزادی از قید ستم و استعمار امیرالیم و ارتجاع در گروه همبستگی و پیوند همبستگی مینان خلقهای سراسر ایران و مبارزه انقلابی آنها فرار دارد. مبارزه ای که تنها تحت رهبری طبقه کارگر مستوا سده برانجام میرسد.

سنگ و نفرت بر سرکوبگران خلق کرد! حاصه های مهاباد شاهدای خلق کرد و همه خلقهای ایران! برقرار باد خود مختاری خلقهای در جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۶/۱۰

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

بقیه از صفحه ۱

کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق

در این شرایط، کارگران میبایست در این نبرد عظیم اقتصادی و نظامی شرکت کنند. در این نبرد، کارگران باید نقش خود را به گونه ای ایفا کنند که بتواند در برابر دشمنان داخلی و خارجی ایستادگی کند. کارگران باید بدانند که آنها در این نبرد، نه تنها برای خود، بلکه برای تمام ملت ایران و برای آزادی و استقلال این کشور میجنگند.

این کارگران هستند که در این نبرد، نقش اصلی را ایفا میکنند. آنها هستند که در این نبرد، جان و مال خود را فدا میکنند. آنها هستند که در این نبرد، در برابر دشمنان داخلی و خارجی ایستادگی میکنند. کارگران باید بدانند که آنها در این نبرد، نه تنها برای خود، بلکه برای تمام ملت ایران و برای آزادی و استقلال این کشور میجنگند.

● کارگران نباید در جنگی که جز برادر کشی و فلاکت وسیع ریزی طبقه کارگر و زحمتکشان د و کشور ایران و عراق و در مقابل رسیدن سرمایه داران به اهداف ضد خلقی خودشان نتیجه ای ندارد، شرکت کنند. چه این جنگ، جنگی است ارتجاعی و ضد انقلابی.

در این نبرد، کارگران باید نقش اصلی را ایفا کنند. در این نبرد، کارگران باید بدانند که آنها در این نبرد، نه تنها برای خود، بلکه برای تمام ملت ایران و برای آزادی و استقلال این کشور میجنگند.

و صنعتی وارد آمده و بحران اقتصادی را حادتر کرده است. بحران کند. حال آنکه کارگران ما میدانند که منشأ این بحران اقتصادی و صادر تمام بدبختیهای جامعه ما سیستم سرمایه داری و استبداد است و خود رژیم جمهوری اسلامی نیز جانی از این سیستمی ندارد.

کارگران آگاه ما همچنین میدانند که رژیم جمهوری اسلامی، ادا نموده این جنگ را مستمسک مناسبتی جهت تقویت و تثبیت ارتش و حکومت خود از یک سو و سرکوب و حشاشه ترخیص نموده ای، کشتار کمونیستها و نیروهای انقلابی از سوی دیگر، قرار داده است. رژیم میخواهد با قلمداد کردن خود به عنوان مدافع زحمتکشان ایران، از ریزش توهم آنها نسبت به خود جلوگیری کند و هم بتواند به آنها بگوید که «جنگ با عراق» خلق کرد و نیروهای انقلابی را بنحوی که مل و همه جا نبوده ای کشتار کند و این سیاستی است که ما اکنون جلوه های آن را در روزها و در دستگیری انقلابیون در شهرهای مختلف و در محاصره و حملات نظامی به شهرهای کردستان، سیوزیهها با دمی هستیم.

کشته از مواد دوق، کارگران ما با تمام وجود خود حس میکنند که از شروع و گسترش جنگ، آثار فحطی و کراتی و کمیناسی ما محتاج زندگی با شدنی بخش از زمین در جامعه ما آشکار شده و حادتر میشود. بطوریکه کارگران و زحمتکشان، برای خرید چند عدد نان، یک کیلو نخ مرغ، مقداری گوشت، سیگار، نمک و... با دشمنان در صف بائیسند. تمام اینها از نتایج جنگ خانمانسوز کدونی است که تنها کارگران را به سه روزی هرچه بیشتر میکشد بدنه سرمایه داران را. چگونه سرمایه داران، با استفاده از سود حاصله از استثمار کارگران، کالاها و وسایل شیخ از مسورد بسیار زندگی خود را خریداری کرده و احکام میکنند، مهمتر از همه خرابی و ویرانی ناشی از جنگ کارگران را به بیکاری و گرسنگی میکشاند.

حال وظیفه کارگران در قبال جنگ کنونی چیست؟

کارگران را به بدر جنگی که هرگز برادر کشی و فلاکت وسیع ریزی طبقه کارگر و زحمتکشان د و کشور ایران و عراق و در مقابل رسیدن سرمایه داران به اهداف ضد خلقی خودشان نتایجی است ندارد، شرکت کنند. چه این جنگ، جنگی است ارتجاعی و غیر عادلانه. جنگی است که رژیم جمهوری اسلامی نه در جهت تامین منافع زحمتکشان ایران و دفاع از آن، بلکه برای دفاع از منافع طبقاتی خود در مقابل سرمایه داران رژیم یعنی کشور عراق، بدان دامن میزند. آری، این جنگ، انهدام، خرابی، کشتار، بیکاری، فحطی و گرسنگی و بزرگ و میرا آنهاست برای کارگران و زحمتکشان به ارمغان می آورد. شرکت در این جنگ خدمت کردن به سرمایه داران و در جهت افزایش کشتار و ویرانی و گرسنگی و... است.

تا هر یک بقیمت کشته شدن عده بیشماری از این طبقات زحمتکش و رنج دیده، منافع طبقاتی خود را که همانا جیبها و جیبها و غارت بیشتر زحمتکشان است، برآورده سازند. برای نمونه، رژیم جمهوری اسلامی ایران از کارگران کارخانجات دعوت کرده است که به عیبه جنگ بروند و از «مهن» دفاع کنند! کارگران ما میپرسند: چرا رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داران، برای شرکت در این جنگ دعوت نمیکند؟ او اقصیت این است که با این رژیم، رژیم سرمایه داری و حافظ منافع سرمایه داران است و این مسئله را کارگران ما در طول مبارزات خود، بارها و بارها تجربه کرده اند. اکنون نیز درست بنا طرح سرمایه داری و منافع سرمایه داران و طبقات استثمارگر است که بر این جنگ دامن میزند و خواهان قطع آن نیست و همچنین بنا طرح دفاع از سرمایه داران است که رژیم جمهوری اسلامی، با دعوت کارگران به جنگ، خون این طبقه مستبد را و شیفه رسیدن به اهداف ضد خلقی خود قرار داده است.

کارگران همرا با دیگر زحمتکشان، در این جنگ گوشت دمپنوب سرمایه داران شده، تمام بهای مدای ناشی از جنگ نیز نصیب آنها نمیکرد. کارگران مجبورند تحت فشار سرمایه داران، عوامب کمزورکننده اقتصادی جنگ را تحمل شوند. رژیم جمهوری اسلامی، نتایج نکتت با جنگ را اینگونه به کارگران تحمیل میکند: بسیاری ادا و گسترش جنگ، لازم است سلاح جدید بیشتری موجود باشد، رژیم جمهوری اسلامی نیز چه برای جنگ با رژیم عراق و چه برای سرکوب خلقها و زحمتکشان ایران به ارتش نادندان ملج و از هر حیث آماده سرکوب نیازمند است. او برای داشتن چنین ارتشی و برای جبران کمبودهای نظامی و تسلیحاتی خود مجبور است دست نیساز بسوی امپریالیستها دراز کند و برای این کار چاره ای ندارد جز اینکه سود حاصله از استثمار کارگران و دسترنج زحمتکشان را به عیبه امپریالیستها سرازیر کند. طبیعی است که کمبود بیشتر از استثمار کارگران برای خریدار طبقه بیشتر بخود، خود با افزایش شدت استثمار کارگران توسط سرمایه داران از طریق کاهش دستمزدها با کار بیشتر کارگران، افزایش مالیاتها افزایش قیمت کالاها، مورد سباز کارگران و غیره همرا خواهد بود. اما فشار ناشی از جنگ ایران و عراق بدینجا ختم نمیشود، رژیم جمهوری اسلامی کارگران را به سوز و در شرایط کنونی، بشدت به افزایش تولید و بازده بیشتر کار دعوت میکند و آنها میخواهد که در کارخانجات بجای ۴۰ ساعت کار (با ۵ روز کار هفت ساعت) در هفته - که عوامب همه کارگران ایران است - تمام روزهای هفته را با ساعات بیشتر کار کنند. رژیم

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین ستاد مشترک کیست؟

اجرا در آورده. این تیمسار سرسپرده، را به سبب عملیات ارتش مزدور ایران با امپریالیستهای آمریکا در جنگ ویتنام بود. خلقهای جهان از جمله خلقهای ایران، از جنابانی که امپریالیستهای آمریکا شی در ویتنام کرده اند، اطلاع کافی دارند. جناب تیمسار فلاحی نیز بدستور رژیم شاه در این جنابان شرکت داشت. آخرین سمت این عنصر سرسپرده آمریکا در قریل از قیام، معاونت تصب پها ده شیراز و اداره کننده مور "نیروهای مخصوص" ارتش در شیراز بود. برای اطلاع از فعالیت خد خلقی فلاحی در این نیرو لازم است گفته شود که "نیروی مخصوص" شامل بخشی از

سینه میزند. حال سینه تیمسار فلاحی کیست و ما بعدا وجه بوده است؟
"ولی فلاحی" یکی از افسران سرسپرده ارتش آمریکا شی شاه، بعد از کشتار زحمتکشان ما در ۱۷ شهریور ۵۷ از طرف ارتش شاهنشاهی به درجه سرتمی رسید. او در دانشکده آلودانی با سه

اخبار با شروع جنگ ایران و عراق، سروکله فرماندهان جنابانک را ارتش و جگمه پوشان آریا مهری دیروز و تیمسارهای اسلام آورده امروز هر روز در تلویزیون پیدا میشود و صدای جاکلی از "مینهن پرستی و دینداری" این جلادان خلقهای ایران، همراه با بوق و کرنای رژیم جمهوری اسلامی، از آدیو شنیده میشود.

بعد از قیام بهمن ماه، عدهای از مزدوران آمریکا شی شاه بدست توانای خودهای رزمنده خلق دستگیر و اعدام شدند، عدهای دیگر توسط رژیم جمهوری اسلامی با زور فاشا رتوده ها اعدام شدند، با دستگیر و بعد از آذگردیدند و با برهسان مناصب نظامی پیشین خود باقی شدند تا به رژیم جمهوری اسلامی ایران خدمت نمایند. یکبار گرفتار این افسران خد خلقی ارتش جنابانک شاهنشاهی توسط جمهوری اسلامی، از جمله سپاهت های خد خلقی رژیم در سرکوب جنبش خلقها و توده های زحمتکش بوده و میباید، با آنها ذاتین سیاست، این مزدوران ارتشی امکان میباید تا تجربیات را که طی سالها حاکمیت رژیم شاه در کشتار خلقها و زحمتکشان ما بدست آورده بودند، در خدمت رژیم جمهوری اسلامی بکار گیرند.

رژیمها کم و از جمله آیت الله خمینی با تمام قوا و با تبلیغات بسیار رکوشید تا گذشته سراپا خیانت این مزدوران امپریالیست را از چشم خلق بیوشا ندوآب تظلم و توبه بر سر آنان بریزد اما این تبلیغات مردم فریب مدت زیادی نتوانست ادا میباید، چرا که توده های زحمتکش ما طی مبارزات خود بویا سطر افشاگریهای نیروهای انقلابی و کمونیست در بافتند که جلادان دیروز خلقهای ایران نمیتوانند در میان امروز انقلاب با شند. به این ترتیب عده ای از تیمسارهای آریا مهری که بفرمان آیت الله خمینی به مناصب نظامی گمارده شده بودند، در پیشگاه توده ها افشا و رسوا شده و بتدریج تحت فشار توده ها توسط رژیم گنا رگذاشته شدند. تیمسارها شی همچون علوی (معاون نیروی دریایی)، فرید (رئیس ستاد مشترک ارتش)، شاکر (رئیس ستاد مشترک ارتش) و مدنی (وزیر دفاع و مساعد فرمانده نیروی دریایی و ایستادار خوزستان) از آن جمله اند.

بدنبال رسوا شدن مهره های سرسپرده فوق الذکر، اکنون نیز سویت به تیمسار مصلحان شده و "وطن پرست" فلاحی رسیده است. او با اسفاده از امکاناتی که رژیم جمهوری اسلامی بوسیله جنگ ایران و بحران در اختیارش گذاشته است، در آدیو و تلویزیون از "رشدتهسا" و "دلاوریهای" خود در جنگ با عراق سخن میگوید، و سنگ دفاع از "وطن" و "انقلاب اسلامی" را به

داده سانی کل انقلاب تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۰
جمهوری اسلامی ایران شماره ۱۰۴۱

آقای غلامرضا... با سدا انقلاب
به موجب این حکم به شما ما مورست داده میشود که با رعایت موازین سرسی و عرفی و قانونی و احترامات اساسی با کتیب به شما شی... جلب و مراند و اقدامات خود را رسما و کتبا صورت جلسه نموده و با منضم تحویل اس دا بفرادهند با زیرس دا سرای اعلات اسلامی تهران ۵۸/۳/۲۰

مجلس عالی کل
ایم جمهوری اسلامی ایران

تیمسار فلاحی

سند شماره ۱۰

مزدوران ارتشی است که تحت نظرو آموزش مستقیم "سپاه" برای سرکوب مبارزات پارسیزانی و حربکی و با در صورت لزوم برای سرکوبی تظاهرات خلقهای منهن ما تشکیل شده بود. تیمسار "فلاحی" در سال ۵۷ با رها دستور کسار مردم بدفاع شیراز را ادر کرده بود. در ۲۲ بهمن - روز قیام خلقهای ایران - وقتی که مردم مبارز شیراز به پا دگان (مرکز زوری شیراز) حمله کرده بودند، تیمسار فلاحی توسط یک سیمسم به سرنگی بنام بقیه در صفحه ۱۷

بیا ن داده نردا نشکده نوکری و کاسه لیبی شاه، به رژیم و وابسته پهلوی خدمت میکرد. فلاحی همچنین با توجه به نوکری خدمتی و سرسپردگی اش، نسبت به رژیم پهلوی کتایی به اسم "تاریخ شاهنشاهی" نوشته است. بعلاوه ما میرده از برنامه ریزان امور جنگی رژیم شاه و فرمانده و افسر عملیات "اتاق جنگ" بوده است. در اسارتی او موظف بود تا نقشه های جنگی امپریالیسم آمریکا برای سرکوبی جنبشهای آزادیبخش ایران و منطقه از جمله جنبش خلق طفا را سرخه

از... ستاد مشترک (اداره دوم فعالیت اطلاعات)
به... فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
موضوع: رهنمودهای امام است

باتوجه به اصل ۱۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اینر اینکه (ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتش اسلامی باشد) که ارتش مکتب و پرستی است و باید افراد شا بسته را بدست بید برود که به اهداف انقلاب اسلامی بوس و بر راه تحقق آن فداگاری کند) و نیز اینکه در ملاقات جمعه ۱۷/۵/۵۹ اجانشین ستاد مشترک با امام احمد و بنانگوار جمهوری اسلامی ایران معظم له سخن رهنمودهایشان مقرر فرمودند.

همچنین از گروههای انقلابی و جنب مایند حزب توده چیرکباید این خلقها و مان معاهد بین خلق و سایر گروهها پس که اند انقلاب اسلامی میباشند حقدانند در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عدت و با فعالیت نمایند در چنانچه این قبل هرستل در حال حاضر در نیروها وجود دارند فوراً "تسویه و پاکسازی" گردند طیب از اجراء فرمان رهبران انقلاب بینه: از رژیم جمهوری اسلامی، ایران خواهشمند است دستور فرمائید غار او را مرام است تاره فرماندهان لشکری و پاکها ابلاغ تا نسبت به پاکسازی افراد مذکور با هتنگ برستل مومن و متعهد و تاقید رواسی سازانهای اید بیلوژیک اقدام مقتضی معمول نمایند و نتیجه حاصله نیز بوس ارسال لیست افراد فعال گروههای مزبور به اداره دوم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام گردد.

جانشین رئیس ستاد مشترک برتیب فلاحی
علی سمرات

سند شماره ۲

جنگ غیر عادلانه چیست؟

هر روز می شنویم که دهها مرکز بر جمعیت ایران بمباران مینماید، می شنویم که نفر در این بمبارانها و در جبهه های جنگ کشته میشوند می شنویم که مردم از جنگ بیزارند، می شنویم که صف های نان ، بنزین و... طول کشیده است ، می شنویم که خطی ، گران ، بیگاری ، تشدید خفقان و... از جمله "هدایای این جنگ است . آوارگی صدها هزار نفر ، شیوع بیماریهای گوناگون ، بی خانمانی ، تبدیل گشتن منازل عمومی به مخروبه های جنگی ، بالا رفتن ساعت کار و در نتیجه افزایش استعمار کارگران ، بیس جبهه فرستادن جگروگوشه های کارگران و زمینگشان و بالاخره بدتر از همه طولانی شدن جنگ ، مردم را به فگرو می دارد که از خود بیبرند :

چرا با بدتر این جنگ شرکت کنیم؟ برای دفاع از میهن ؟ کدما میهن ؟ میهن زحمتگشان یا میهن سرما به داران ؟ برای چه کشته شویم؟ برای اینکه مرتخصین به منافع حریص و از مندان نشان برسند آنگاه! در این جنگ تنها بد شرکت کرد .

ما نیز همدا با توده های زحمتکش میهنان می گوئیم: نه! تنها بد در این جنگ شرکت کرد . اگر می گوئیم تنها بد در این جنگ خانمانسوز شرکت کرده به دلیل آن است که این جنگ ، جنگ بین سرما به داران ایران و عراق است . ما نمی گوئیم هر جنگی بد است ما می دانیم که جنگ "منافعت نام" نیست ، هر جنگی آوارگی ها ، کشته ها و زخمی های بیشمار خواهد داشت . جنگ زحمتگشان علیه حکومت تزار و حکومت سرما به داران روسیه در سال ۱۹۱۷ ، جنگ کارگران و زمینگشان شوروی علیه فاشیسم و نازی در سال ۱۹۴۱ جنگ خلفای چین ، ویتنام ، کامبوج و... علیه امپریالیسمت بویژه امپریالیسم آمریکا ، نیسا میلیونها کشته و زخمی ، با ویرانی هزاران خانه و گاشانه ، با فلج شدن اقتصاد کشور و... همراه بوده است . ما چنین جنگهایی را نه تنها محکوم نمی کنیم ، بلکه ما تمام توان خود را از پشتیبانی می کنیم و آنرا می ستائیم و به شهدای چنین جنگی نیز افتخار می کنیم . چرا که می دانیم در مبارزه علیه استعمار با پدغون داد ، جان باخت و زخمی کشید ، کسی که ما هیت جنگ را در نظر نگیرد و جنگ را صرفا به حساب کشته ها و زخمی ها و خسارات ناشی از آن ، محکوم کند ، در حقیقت جنگ خلق علیه امپریالیسمت و سرما به داری را نیز محکوم میکند چنین فردی اگر تا آنگاه تنها شد ، دشمن مردم است

چرا که او بما می گوید نباید علیه طبقه سرما به دار ، علیه امپریالیسمت و جناح و زو علیه کلبه سنگران جنگید ، تنها بد آنها را نبود کرد ، باید با آنها از در سازش و نه جنگ وارد شد .

ما چنین عقیده ای نداریم . جان باختن در راه استقلال میهن کارگران و زمینگشان ، جان باختن در راه طبقه کارگر و علیه سرما به داری و استعمار علیه کلبه سنگران ، افتخار رهبر کمونیستی است . اینرا تاریخ مبارزات قهرمانانه و شهادتها ی کمونیستهای شوروی ، چین ، ویتنام و... نشان داده است . اگر ما این جنگ و جنگ های مشابه آنرا محکوم میکنیم ، به این دلیل است که جنگی غیر عادلانه است . زیرا جنگ خلق

علیه صخلق نیست ، جنگ کارگران علیه سرما به دار نیست ، جنگ علیه امپریالیسمت نیست جنگی در دفاع از میهنی که کارگران و زمینگشان بر آن حکومت کنند نیست ، جنگی است که علیه خلفای ایران و عراق بر آه افتاده است ، جنگی است که ضد انقلاب حاکم بر ایران و عراق از آن سود می برند و کارگران و سرما زان ، گوشت دم تسو پ میشوند .

تا بد کسی ببرد : آیا مردمی که در جنگ کشته میشوند ، تنها بد از خودشان دفاع کنند؟ ما میگوئیم: در کدما جنگ است که مردم کشته نشوند ، آواره نگردند و ضایعات جنگ بر دوش آنها نبارد . در بقیه در صفحه ۲۰

در پشت جبهه های نبرد ناعادلانه

این ، نبردی است بین جانان

بردها نهی گرسنه می گویند

از دوسوی ؟
نبردی تا جمهوری استعمار
استوار بمانند
نبردی تا جنایت ، خود را
جا و دانه بنما بد
در دوسوی ؟

در پشت دو جبهه نبرد
کارخانه های بی تاب را طاب بپنج میکنند
در پشت دو جبهه نبرد
زنجیر های خالی را به سکوت می خوانند
در پشت دو جبهه نبرد
به کشتزارهای محروم فرما می رانند
بفس در سینه حبس کنند
در پشت دو جبهه نبرد ...

و اینهمه بین نیست آیا
تا بر جبهه شوم این نبرد

تف کنیم ؟



با ما برهانگان خواهد داشت
در پس این شیانگان خونباران
جا های گرم ز آفتاب فتح شان
برش نخواهند کرد
اما گرسنگان خواهد داشت
در فرجام این شب ویرانی
کاسه ای از شیر سبیده دم درهای بی
نخواهند نوشید

سر داران سرما به
با یونیفرم های جنایت رژه می روند
با یونیفرم های جنایت
که هنوز قطره های خون تازه در چهران

بر آن

نقش بسته است

گردانهای ارتجاع
قدرت می کنند
ویسی مها با
از پادگانهای غیانت

به بیرون می خزند

گردانهای ارتجاع
که هنوز از دم فوف سر کونگرشان
بر پهن دشت خلقها خون جاری است
و جانان کهنه کار

ابنبار

با نشانهای افتخار
بی آنکه از شلیک خشم توده ها به پراستند
بر دوشهای توم مردم

لم می دهند

و اینهمه بین نیست آیا
تا نمره بر آرم

آنگاه از دوسوی
دها نهی گرسنه

گرسنه تر فریادهای عادلانه شان را
برخواهند کشید

و از دوسوی

کارخانه های مضر

بی تاب تر
توفان سرخ را بنها خواهند داشت

و از دوسوی

کشتزارهای محروم

با خشم با دهای عادلانه

بها خواهند خاست

و آنگاه

آنگاه دهان میلیونی توده ها

بر این نمره عادلانه

تف خواهند کرد!

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

سوسیال امپریالیسم شوروی تامین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق

میباشد. در این ملاقاتها رویزیونیستهای خاش
شوروی به نمایندگی از رژیم فاشیستی عراق قول
میدهند که نیازهای جنگی عراق را تامین نمایند.

جنگ ایران و عراق، فرصت دیگری است تا
طنی آن یکبار دیگر چهره فربه‌یکارانه دشمنان
خلقه‌ها و زجمله سوسیال امپریالیسم روس بر ملا
گردد. شوروی امپریالیستی ما هیت ارتجاعی
خود را در پشت نقاب "سوسیالیسم" پنهان کرده و
مزورانه خود را "دوست خلقها" نشان میدهد. اما
وقتی کردار و عملکردهای همیشگی آنرا نگاه
میکنیم، واقعیت شوروی جزیک نیروی امپریالیستی
تسبیکار و دشمن انقلاب چیز دیگری نخواهد بود.
میدانیم که رژیم عراق یک رژیم بورژوازی
و ضد خلقی است، رژیمی است که سرکوبگر کارگران
وزحمتکشان است، اما همین رژیم توسط سوسیال
امپریالیسم بعنوان یک "رژیم ضد امپریالیست"
حمایت میشود. این واقعیتی است که امروز
شوروی اصلی‌ترین تامین کننده سلاحهای رژیم
صدام حسین است. شوروی بر اساس یک قرارداد
دولتی پنج ساله که در سال ۱۹۷۲ با عراق امضا
کرد، سالانه به ارزش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون
دلار سلاح جنگی به عراق تحویل میدهد. در سال
۱۹۷۸ شوروی یک قرارداد دیگر در زمینه نظامی
با رژیم صدام حسین منعقد می‌کند. بر اساس این
قراردادها سبیل مستشاران و جانسوزان روسی به
عراق سرازیر میشوند تا ماشین جنگی و ضد مردمی
ارتش عراق را سازمان دهند و علاوه بر شوروی موفق
میشوند تا در بندر بصره یک پایگاه نظامی مستقر
نمایند.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری بود تا
سوداگران تسلیحاتی کینه‌های گنا دغ خود را
پروگند و رژیمهای ارتجاعی را برای گشتار
مردم صلح نمایند. امپریالیستهای روسی به
سهم خود کوشیدند تا با دادن زدن به این جنگ
غیر عادلانه سلاحهای خود را بفروش برسانند. یک
هفته قبل از تجاوزات عراق به شهرهای داخلی
ایران یک کشتی حامل سلاحهای روسی در بندر
بصره توقیف کرده و ابزار جنگی خود را پس داده می
کند. بدینال آن امپریالیستهای روسی ۱۰۰
تا "نگ" ۲۲ "تحویل رژیم صدام حسین میدهند (۱).
چند روز پس از گسترش جنگ برای تامین سلاحهای
جدید طایفه عزیز عضو برجسته شورای فرماندهی
وصا و نخست وزیر عراق به مسکو سفر میکنند و با
مقامات روسی از جمله بوریس پونوما ریسوف
دبیر سیاسی حزب رویزیونیست شوروی ملاقات
(۱) - رجوع شود به کیهان ۱۴ مهر: ملاقات
رژمیش با سفیر شوروی.
(۲) - همانجا .

میگوید:
"ما به انقلاب شما و اراده مردم احترام خاص
قابلیم ما می توانیم با هم در زمینه های
مختلف همکاری کنیم و ما خیریم از نظر
تسلیمات نظامی به شما کمک کنیم" (۲).
وقاحت هم‌حدی دارد! سوسیال امپریالیسم
نه تنها میخواهد فروشنده اصلی اسلحه به عراق
باقی بماند، بلکه همچنین میخواهد بطرف دیگر
جنگ یعنی رژیم ضد خلقی ایران هم اسلحه

● آخرین خبر: خبرگزاریها روز جمعه ۱۸ مهر نیز خبر از کمک تسلیحاتی روسی و سوریه به
ایران دادند. گویست که نمایندگان سلاحهای روسی است که از طریق این کشورها و
بدون تردید با اجازه سوسیال امپریالیسم روس به ایران داده می شود.

بفروشد، اما واقاحت برای امپریالیستها
بی معناست. آنان به سود و غارتگری خود می
اندیشند، آنان به گسترش نفوذ و سلطه امپریا
لیستی خود فکر میکنند، آنان جز ستامگری کار
دیگری نمیتوانند بکنند و پرواضح است که
سوسیال امپریالیسم روس از این قاعده مستثنی
نیست. علیرغم تسلیحاتی فدا تلافی رویزیونیست
های حزب خود و چریکهای فدا نشی (اکثریت) که
شوروی را "دوست خلقها" معرفی می نماید،
علیرغم فربه‌یکاریهای سوسیال امپریالیستهای
روس که خود را "سوسیالیست" وانمود میکنند،
واقعیت این است که شوروی یکی از سوداگران
اسلحه و مرگ، یکی از سرکوبگران انقلاب خلقها،
یکی از حامیان رژیمهای ارتجاعی و یکی از
امپریالیستهای جهان امروز است. سوداگری
امپریالیستی شوروی در جنگ عراق و ایران
نمونه‌های است که چهره دهانکارانه شوروی و
رویزیونیستها را بیشتر برملا میکند و خلقها
کارگران ایران و جهان را هوشیارتر می نماید.



بر اساس این قول و فرارها، سوسیال امپریالیسم
ابزار آلات جنگی و تجهیزات نظامی مورد نیاز
رژیم عراق را به پایگاههای نظامی خود در بندر
عدن (بمن جنوبی) و بندر ساوه (اتیبوی) فرستاده
و تخلیه می نماید و سپس این ابزار و تجهیزات
را از طریق کویت و بندر عقبه (اردن) به عراق
میرساند. بدین ترتیب شوروی که فقط به منافع
امپریالیستی خود می اندیشد قطعاتی بزرگی و
تجهیزات نظامی ارتش صدام حسین را تامین
میکند تا رژیم عراق بتواند به جنگ ادامه دهد.
اما سوسیال امپریالیسم به این غارتگریها
بسنده نمیکند، او میکوشد در این جنگ همزیمبار
آتش هر دو رژیم بسازد. شوروی میدانده که سیستم
ارتش ایران سیستم آمریکائی است و لسی از
طرف دیگر میدانده که رژیم ایران برای ادامه
این جنگ ارتجاعی به اسلحه نیازمند است.
بنابراین همانطور که شوروی در زمان شاه‌ها
به ایران اسلحه فروخت در حال حاضر نیز سعی
میکند یکی از فروشندگان اسلحه به ایران باشد.
در این زمینه سفیر شوروی در ملاقات با راجاشی

بقیه از صفحه ۲۲ سخنی...

ارتش ط گیری بوده‌ای، خیانتکارهای رویزیونیست
ها، نسلزلات نیروهای بینا بینی (۰۰۰)
۳ - بستنیجات و انتقادات خود را به
پیکار و توجه فعالیت سازمان در میان توده‌ها
برای ما بفرستید و توجه داشته‌اید که عدم پاسخ
به همه این پیشنهادات و انتقادات در پیکار به
معنای عدم اهمیت آنها و پاسی نوحی ما نسبت
به آنها نیست.
۴ - اسناد و مدارک افشاگرانه در مورد
نحوه عملکرد دشمنان توده‌ها، رژیم، احزاب ضد
انقلابی و... را برای ما بفرستید تا این شرط
که فیدکسید این اسناد میبایست انتشار راجرسی
نیز بیا بدید و با اینکه از نظرا منبتی اشکالی
برای فرستنده اسناد با ما نمیکند با .
در اول صفحه اخباری که بفرستید، فیدکس
کنید مربوط به اخبار رگاری یا دهانی بیجا

اخبار توده‌ها، اگر گزارش یا پیشنهادها و انتقاد
و یا افشاکاری همی فرستید فیدکس کنید: مربوط
به گزارشات یا صفحه‌ها سخ به نام ما و یا افشاکاری
تمام آنچه را که برای ما بفرستید با اضمای
شخصی (با ذکر اول نام مستعار یا نام
تشکیلاتی تان) باشد.
توجه داشته‌اید که توده‌ها زمانسی پیکار
کاملا توده‌ای خواهد شد که نه تنها در پیش آن
توده‌های بیشتری شرکت کنند، بلکه همچنین
توده‌های بیشتری برای ما مطلب بفرستند. در
این مورد همیشه این سخنان را بنین را به یاد داشته
باشید که:
"یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت
زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج
دهه و روزها به نگار سیاسی که مرتباً به
قلمزدن می پردازند، با نمادی پنجمهزار
هکتا بوجود آید که بهیچوجه نویسنده نباشند!"

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

مشتی از خروار: اشاره‌ای به جنایات بعثی‌ها در عراق

حزب بعثت در سال ۱۹۲۷ در سوریه پا گرفت. بنیانگذاران اولیه، روشنفکران بورژوازی ملی‌گرا و بورژوازی بودند و آمیزه‌ای از ملی‌گراشی شورونیمستی، سوسیالیسم تبعیلی اما سفاک آنان را تشکیل میداد. آنها شعار "وحدت عربی، آزادی از سلطه استعماری، سوسیالیسم" را تبلیغ می‌کردند و البته مفهوم خاص آنان از "سوسیالیسم" نوع غرده بورژوازی آن است. و با سوسیالیسم علمی تفاوت اساسی دارد.

آنچه در بنا سیر این حزب نقش تعیین‌کننده‌ای داشت به اعتراف بنیانگذاران آن - میشل عفلق - فدیت با کمونیسم و یا فتن بدیل (الترناتو) بجای آن بود. در این باره او گفته است:

"برای آنکه جوانان را از زیست‌بوم بی‌مغز و کمونیستی ما نجات دهیم، حزب ما را از زیست‌بوم بی‌مغز و کمونیستی ما نجات دهیم، حزب ما را از زیست‌بوم بی‌مغز و کمونیستی ما نجات دهیم..."

بعثی‌ها برای بدست گرفتن قدرت سیاسی، خیلی زود بیگانه‌فروخته‌دراش‌های عربی و کودتا افتادند. آنها در عراق و سوریه از همین راه قدرت را بدست گرفتند و هنوز هم همین راه را دنبال میکنند. کودتا‌های بعثی نمونه‌های تاریخی از کودتا‌های خونین و وحشیانه‌ای را ارائه میدهند که در همین ظاهر خداست ماری و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و با اصطلاح ترقی‌خواهان و سوسیالیستی، ایدئولوژی اول کمونیستی کارگران و زحمتکشان را از "حما خون" عبور داده است. این سرخوردگی‌های فداکاری از غرده بورژوازی که با نکتا توطئه و کودتا بر سر کار آمده و بورژوازی دولتی را مستقر کرده است شکست آورده است.

● در فوریه ۱۹۶۲ حزب بعثت در عراق (بسیار همگاری برخی افسران طرفداران چپ) کودتا کرد و رژیم عبدالکریم قاسم را که نماینده بورژوازی ملی در آن زمان دارای گرایش‌های مترقیانه‌ای هم بود (اولین گام برای اصلاحات ارضی و اولین ضربه به احتکارات نفتی سوسیاله و انعام شده بود) با خونریزی تمام سرنگون ساخت. و بسیاری ابعاد در بحب و وحش در دل‌های مردم حاصله شده‌سران رژیم سرنگون شده را در تلویزیون بغداد دیده‌اند. بنیانگذاران آنها تشکیل شده‌بودند و تعقیب کمونیستی‌ها برداشت. ما کسیم - رودنسون در کتاب عرب و اسرائیل (مجله ۱۲۶) در این باره می‌نویسد:

(۱) - نقل بمفهوم از مصاحبه میشل عفلق با مجله آفاق عربیه، نشریه ثنوریک حزب بعثت (عراق).

"کودتای نظامی هشتم فوریه که به "انقلاب ۱۴ رمضان" معروف است موجب ساقط شدن قاسم گردید اما سم‌گشته‌شد. قدرت را یک نیروی اشتقاقی طرفداران امر (برساتت جمهوری عبدالسلام عارف) و حزب بعثت (به نخست - وزیر زینال حسن البکر) بدست گرفت. بعثت موقعیت بهتری داشت. نیروهای محافظه‌کاران را با بودن ناگهانی خطر غوطه ور شدن در آشوب کمونیسم، سخت‌شادمانی کردند. یک دادگاه نظامی بعثی تشکیل شد تا کمونیست‌های مورد سوءظن و فراریان را بچنگ آورده و محاکمه کند. پنج هزار نفر به این طریق کشته شدند."

یکی دیگر از اقدامات فاشیستی بعثیها، کشتار عام کمونیست‌ها در موصل و کرکوک بود که با زدن زمان نخت وزیر البکر - که بیش از ۹ ماه نپا شد - صورت گرفت. اقدامی که تاریخ معاصر جهان در کشتار کمونیست‌ها در اندونزی و سودان از آن یاد میکند. کشتارهایی که به رویز - بونست‌ها نیز رخ نکرده و آنها را هم از دستم بخیزد. ● بعثی‌ها در سرکوب خلق کرد، اگر بگوئیم گوی سبقت را از همگان برده‌اند، در ردیف دیگر رژیم‌هایی که در ترکیه و ایران حقوق خلق کرد را منکسر کرده و به سرکوب آنها پرداخته‌اند می‌باشند.

کردستان عراق، از سال ۱۹۶۸ به بعد نیز که حزب بعثت محدود و این با ربطور انحصاری قدرت سیاسی را در عراق بدست داشته، مدام در معرض سرکوب، فریب، اختناق و ستم بوده است. بعثی‌ها وقتی در سال ۶۸ بروی کار آمدند ادعا کردند که به کردستان خود مختاری خواهند داد. رهبری عبرتی کردها بدست با نداد ارتجاعی ملامت‌هایی با رزانی بود و او پس از از نشی که با حکومت مرکزی کردها دور و دور بر یک اهمیت در کابینه عراق شرکت نمود اجازت داد که با نداد البکر - مدام حسین از لحاظ درگیری با کردستان نفس راحتی بکشد ولی این فریب و سازش چندان نپا شد و در نتیجه عدم وفا داری رژیم به وعده‌ها بیش در مارس سال ۱۹۷۴ به درگیری کشید. مقاومت خلق کرد به سرکوب و وحشیانه و بسیاری از روستاها و محاصره اقتصادی از سوی بعثی‌ها روبرو گردید و قربانیان فراوان داد. ولی رهبری ارتجاعی کردها نگذاشت که این مبارزات به شمر برسد و با نکتا به کمک‌های شاه "دست دوستی در از کردن بسوی آمریکا و انگلستان اسرائیلی جنبش خلق کرد را به وادی انحراف و شکست کشاند. بعثی‌ها توانستند با متمسک قراردادن روابط با رزانی با ناه و انگلستان اسرائیلی و آمریکا مبارزات

خلق کرد را در پهنه منطقه (و جهان) منزوی کنند و با امضای موافقتنامه الحزب بردار ما رس ۱۹۷۵ جنبش خلق کرد را برای یک مرحله با شکست روبرو کنند. هر چند این شکست قبل از همه به افتخار و نای بودی رهبری ارتجاعی کردها یعنی با نداد مطلق با رزانی انجام مید.

بعثی‌ها پس از سرکوب جنبش خلق کرد هر چه توانستند چنانیت کردند. مبارزان و کمونیست‌هایی را که در کشتار خلق کرد می جنگیدند با روستا نمودند و با رفا تر گذارده، با روستا یک سیاست شورونیمستی بر بنا معکوسان کردها از کردستان و اسکان دادن آنان در مناطق دیگر عراق سبزه نواحی جنوبی را به مرحله حرا در آوردند تصور کمیندوقتی نیم میلیون نفر از خلق کرد که عموماً روستایی و کشاورز و مزارع و مراغه و شیوه معیشتی - سنتی خود به مناطق صحرائی بسیار گرم جنوبی که هیچ با آن آشائ نداشتند منتقل شوند چه معیشتی برایشان بهار میاید. رژیم بعثی عراق این بر بنا معوا با وحشیگری تمام تا حدود زیادی به مرحله حرا در آورد و بجای کوچ داده شدگان، دهقانان مصری (قریب نیم میلیون نفر) را به کردستان گسیل داشت. بعثی‌ها بدین وسیله هم کردستان را با اصطلاح عربی کردند و سیاست شورونیمستی و نژادپرستانه خود را به نمایش گذارند و به ما داد که او را در ظاهر خائنی تا میدان کمک نمودند! اما اینکه این بر بنا معوا چه حد به با ن خود نزدیک شده ما فعلاً عبرت‌اریم ولی این بر بنا معوا خود داشت و بسا شدت عملی میشد.

ادامه درگیری با خلق کرد و سرکوب آنان طی سال‌های متعادی و تبلیغات شورونیمستی رژیم ارتجاعی حاکم و خونخواری که از دو طرف کرد و عرب در این جنگها ریخته شده در روستاها فرساده نا آگاه عراقی چنان حالتی بوجود آورده است که مثلا برخی از مردم عادی در تعریف از شخصی میگویند: "فلانی خیلی شجاع است او بدست خود چند کرد را کشته است و عکس این مطلب نیز صحبت دارد! آری بر بنا کردن آنش کینه و نفایق بیسن زحمتکشان از اهداف و دستاوردهای رژیم‌های بورژوازی و ضد خلقی است. امری که در ایران هم در نتیجه عملیات سرکوبگرانه و کشتارهای نظیر فلولان و قارنا و بسیاری دهکده‌های کردستان توسط رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات نفرت افکنانه‌ای که رژیم انعام مبدهدستان دان زده میشود.

● زندانهای عراق و محاکمه‌ها داستانه‌ان

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بسیاری مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

دیگری دارد. شکنجه و آزارها شی که کمتر کسی سالم از آنها بیرون می آید. رژیم بعثی هانقدر وقیح و در اعمال فاشیستی خود بیشتر است که هرگز اجازه نداد است یک هیات بین المللی از زندانهای مخوف آن دیدن کند. هرگونه مخالفتی، هرگونه گزارش از زندانهای پلیسی بعث علیه شخص کافی است تا او را به سیاهالی بیاندازند که بیرون آمدن از آن به هیچ وجه و طبق هیچ قانونی تضمین نیست. تعقیب و مراقبت گزارشهای پلیسی، وجود یک سیاه از مزدوران امنیتی مسلح به سلاحهای کمری که در هر کوی و برزن پراکنده اند، برپا بودن زندانها و شکنجه های قرون وسطی - که مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن یکی از آنهاست - محاکمه های که زمان آن گاه به چند ساعت و یا کمتر تقلیل می یابد و جوبه های دار و جوبه های اعدا می... اینها از عوامل تثبیت پایه های لوزان حکومت دخلفی بعثی ها طی چند سال گذشته بوده است. اما آیا رژیم بعثی که حکومت خود را بر سر کوب غلق ها و نیروهای انقلابی و مترقی بنا میکنند، بمانند کسی نیست که تا لوده خاتمه را بخاکستر نهاده باشد؟ یک کارگر کمونیست عراقی که سالها در زندان بوده برای یکی از رفقای ما نقل کرده است که در دوره اول حکومت بعثی ها او را همراه با صد ها تن از محکومین به اعدا ما فطر ربسوی بهره می بردند. آنها را دروا گونهای بسیاری همچون لاشه روی هم انباشته و آب هم در آن گرمی طافند فرسوده آنها نمیدادند. هدف این بوده است که اگر در بین راه تلف شدند چه بهتر و اگر نشدند در سیاهالیهای نزدیک بهره همه را سر به نیست کنند! این جنایت هولناک که انجام آن بوسیله بورژوازی و نیروهای دخلفی امسری غیر منتظره نیست به داستان اعدا میهای دسته جمعی یهودیان در کوره های آذموزی آسویتس در دوره نازیها شباهت دارد. رفیق کارگر عراقی میگفته است که "در نزدیکیهای بهره وین از آنکه چندین نفر از ما جان سپرده و بقیه کمتر رمقی از آنها مانده بود بوسیله عده قابل توجهی از مردم صوب عراق که از این کاروان مسرک خیرداده شده برای جلوگیری از این جنایت به بیابان آمده بودند و با هر وسیله ممکن راه را بر قطر بستند نجات یافتیم."

● خلفان، معنویت آزادی بهان و قلم مگر آنچه بفتح حزب بعث است، فریبکاری و "انقلابی" نشان دادن برخی اطلاعات که در واقع بعنوان ممکن تحت فشار مبارزات و خواستهای توده های زحمتکش عملی شده است، وجود برنا مه های تبلیغاتی گسترده ای که جهت منحرف کردن از مسائل اصلی و به فرسار کشیدن جامعه موزت می - گیرد، نمونه دیگری از عملکردهای دخلفی رژیم بعثی عراق است.

● در پایان این اشارات کوتاه، به موضع گیری بعث درقبال مسئله فلسطین هم اشاره ای میکنیم و تا کید میثما شم که قضیه فلسطین و حمایت

از آن در عراق هم لحاف ملانصرالدین است. بعثی های عراق همواره تندترین شعارها و سازشنا پذیرترین حرفها را در رابطه با فلسطین مطرح کرده اند بطوریکه گاه از خود فلسطینی ها هم که ما حبابلی قضیه اند، جلوزده اند. بعثی ها از سالها پیش خواسته اند "انقلاب" خود را به فلسطین هم "ما درکنند" و یک بانند بعثی را در درون جنبش فلسطین گاشته و آنرا "جبهه آزادیبخش عربی" نامیده اند. کوششی که رژیم جمهوری اسلامی ایران هم با دیده گاه سلامی خود در فکر انجام آن است. صدور انقلاب سلامی به فلسطین و راه انداختن یک باندا لت دست و تحمل آن به انقلاب این کوشش تا کنون در نتیجه آگاهی فلسطینی ها نا موفق بوده ولی این تلاش ادامه دارد. ما نسبت به این توطئه هم به فلسطینی ها هم به توده های انقلابی ایران هتدار عمده ایم.

نمونه بارز فریبکاری بعثی ها در رابطه با حمایت از انقلاب فلسطین موضع آنها در سپتامبر ۱۹۷۰ است. توضیح اینکه پس از زوشن سال ۶۷ طبق توافق سران عرب، عراق یک لشکر مجهز در مرزهای فلسطین اشغالی در خاک اردن مستقر کرده بود که با صلاح در برابر دشمن اشغال - گرا حقوق اعراب دفاع کند. اوگیری جنبش مقاومت فلسطین و موج حمایت از آن از طرف توده های عرب رژیم بعثی عراق را که از ژوئیه ۶۸ بر سر کار آمده بود به دعاها و تبلیغات دهن برکن بیشتری گشاند. بهنگام مدرگیری بیسن انقلاب فلسطین و ارتش ملک حسین رژیم عراق که با صلاح خود "مترقی درجه ۱" میدانست اعلام کرد که لشکر مستقر در اردن در اختیار فلسطینیها خواهد بود. اما تعجب نکنید اگر بگوئیم که این لشکر بنا به دستور رهبری حزب بعث در بغداد نه تنها به حمایت از فلسطینی ها برخاست بلکه از مواضع خود عقب نشینی هم کرد تا راه را برای تویخا به ارتش اردن جهت زیر آتش قرار دادن اردوگا های آوارگان فلسطینی باز کند. عراقیها را همایشی را هم مین گذاری کردند تا اگر ارتش سوریه خواست به نفع فلسطینی ها مداخله کند نتواند! این جنایت به مساله فلسطین راهها اعراب بنا مرزیم المکر - عدا حسین به ثبت رسانده اند!

در عراق از سال ۱۹۲۰ به بعد کوره مبارزه طبقاتی همواره داغ بوده و توده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و کمونیست هرگز دست از مبارزه سی امان نکشیده اند. زحمتکشان عراق علمبر غمگینتها و فریبها و لبانشهای رویز بویستنها که همین رژیم مد ا مرا مترقی و انقلابی ارزبایی میکردند و هنوز هم سوسال امیر با لسم شوروی با همین تعلیل و توجیه آن را مورد حمایت قرار میدهد، به مبارزه خود ادامه خواهد داد. زحمتکشان عراق از رهبری نیروهای مذهبی هم گیری ندیده اند بلکه بسیار دستشان سوخته است. ما این را در مقالات دیگری به تفصیل نشان خواهیم داد.

بقیه از صفحه ۲ وظایف...

با این گرایشات، خود را در سطح توده ها مطرح سازد. اگر چه صد ها موانگ سکتا ریسع برای سن حرکات پیشرو که در خدمت بر خورد فعلی لتر نیست به مبارزه طبقاتی جاری بود، زده شد. اما امروز بسیاری به اشتباه خود پی برده اند و خود در جهت همین خط حرکت میکنند. بی آنکه دست به انتقاد از خود بزنند (حرکت با زمان رزمندگان در مورد مسئله تشکیل دانشجویان هوادار، نشریه فابریک و تکیه بر فعالیت مستقل از این جمله است).

بنا بر این چه در رابطه با مبارزه سواد طبقاتی (ضرورت آلترنا تیو کمونیستی برای توده ها) چه در رابطه با جنبش کمونیستی (ثقویت بخش پیگیر جنبش کمونیستی) و تضعیف و خنثی سازی گرایشات رویز بویستی و جلب توده های بیشتری بسمت بخش پیگیر (چه از کانال مبارزه ایدئولوژیک و اصلاح آنها، چه از طریق جلس توده های آنها بظرف سازمان) آری با تکیه بر این ضرورت های انگارنا پذیر است که میگوئیم تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان و کوشش در جهت مطرح ساختن سازمان مبتنا به یک آلترنا تیو در میان توده ها، با تمام قوا، بدون درنگ و ترس از "انگ" سکتا ریسع یکی از حیاتی ترین وظایف رفقا است.

از این لحاظ کلیه رفقا با بدبیش از بدبیش نسبت به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان آگاهی یافته و با تمام قدرت به تبلیغ و ترویج آن و مبارزه ایدئولوژیک با گرایشات انحرافی چه در جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکش و چه در جنبش کمونیستی بپردازند مبارزه ایدئولوژیک همگانه بنا بدسطح جنبش کمونیستی محدود بماند. چرا که برخی از نیروها (همچون فدائیان (اکثریت)) نفوذ قابل توجهی در جنبش غلسق دارند و از اینرو مبارزه ایدئولوژیک با آنها در سطح جنبش خلق (اگر چه مدتها تبلیغی) و افشای آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. مئنا کمونیستها نباید اجازه بدیم (و این امر از طریق مبارزه فعال خودمان در جنبش و افشای آنها امکان پذیر است) که رویز بویستنها و سازشکاران سازشکاران با نظریات عدالتی و سازشکارانه - شان با ردیگر توده از بند توهم هر ستاره به زیر بوغ بورژوازی داخلی و بین المللی بگشایند رفقا نباید خطری رویز بویستیم را که میتواند بسیار دیگر همچون سالهای ۲۲ جنبش توده ای را به شکست بگشاند دست کم پیگیر تند و افشا و مبارزه ایدئولوژیک سی امان با آن دچار سهل انگاری و ساده اندیشی شوند. (ادامه دارد)

در این مقاله به همین اشارات کوتاها اکتفا میکنیم. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ما خود را همیمان استراتژیک طبقه کارگر و زحمتکشان عراق میدانند و طبقه خود میداندند که از آنان حمایت کنند تمهیدی که نیروهای کمونیستی و انقلابی عراق نیز در مواضع سیاسی خود آن را نشان داده اند.

حزب توده و مسئله عراق: تجسمی از بوقلمون صفتی و ابن الوقتی!

جمهوری سوسیالیستی متحده عربی، مصر
(عجب سوسیالیستی!) مباحا شد که وارد
شاهراه سوسیالیسم شده و کشورهای سوسیالی،
عراق، سوریه، لیبی، برمه در این راه به
موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌اند.

بعثیها: از "دموکرات" و "سوسیالیست" تا فاشیست و نوکر امپریالیست!

"توده‌ای‌ها" در جمله "دنیا" اسفند ۵۳
عراق را جزئی از سیستم سوسیالیستی جهان
ارزیابی می‌کنند:

"تحول روابط ایران و عراق را فقط وقتی
میتوان بدرستی درک کرد که آنرا در مقطع
مناسبات بین المللی و مبارزه میان دو
سیستم سوسیالیستی و امپریالیستی طرح
کنیم... هم‌انطور که گفتیم خصومت دولت
ایران با دولت عراق ناشی از تفاوت‌های
میان آنهاست... دولت کنونی عراق که
در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ به سرکار آمد در نتیجه
مبارزات داخل حزبی و تحولات خارجی
بتدریج در مشی مترقی خود را سخ توشه از
همان روزهای نخستین استقرار حکومت
احمد حسن البکر یکی از اهدافی آن عمل
مسئله کرد بود. (البته حل مسئله کرد از
طریق مبارزات خلق ستم‌دیده کرد با میگاهی
روسی - پیکار)... همه میدانند که دولت
شوروی با دولت عراق دارای قرارداد دوستی
و کمک متقابل است. هیچ‌کس نمیتواند
دولت شوروی را از کمک بدولت عراق منع
کند."

اما بتدریج رژیم بعثت روابط خود را با
امپریالیست‌های غرب افزایش میدهد و روابط
با شوروی نیز بالطبع کمتر از سابق میشود.
فاشیست‌های بعثت که با کمک سلاح‌های شوروی و
تسلیمات رویزیونیست‌های عراقی حاکمیت خود
را مستقر کرده اند به "دوستان" خود هم رحم نکرده و
شروع به کشتار روزندانی کردن رویزیونیست‌ها
هم میکنند، در اینجا نیز "حزب توده" ما نندپنگ
دما سنج منظم میزان تشخیر روابط عراق و شوروی
را منعکس میکند، در دنیا شماره ۱۱ - ۱۰ دی -
بهمن ۵۷ آنها نا کمیته مرکزی حزب کمونیست
عراق به مقامات حاکم آن کشور چاپ میکنند،
این نامه نشان کامل در بزرگی رویزیونیست‌ها
- ست. از یک سو بعثیها رویزیونیست‌ها را نیز
بقلمه در صفحه ۱۶

خاش و فروش اسلحه به ارتش ضد خلقی اش باشد،
اقدامات شاه مثبت میشود و اگر شاه خاش بعنوان
کارگزار امپریالیسم آمریکا با شوروی در بیافتد
خاش میشود. اگر سیاست شوروی زمانی حمایت
از شاه و از این رو فدیت با مخالفین شاه است،
آیت الله خمینی "مرتجع" میشود و روزهیگر که
شوروی میخواهد تورش را برای رژیم جمهوری
اسلامی بگیرد، خمینی انقلابی و
امپریالیست میشود و قس علیهذا...

عراق نمونه درخشان

راه رشد غیر سرمایه داری!

در مورد عراق نیز همینطور است، زمانی که
مبک‌ها و سلاح‌های مدرن روسی به رژیم ضد خلقی
بعث عراق داده میشود تا سینه خلق قهرمان کرد
عراق را هدف قرار دهد و مستشاران روسی خود
مستقیماً هدایت جنگ بر علیه کردهای عراق را
در دست دارند و نیز با زارهای عراق نیروی
کالاهای روسی گشوده شده است، "حزب توده" برای
خوشایند بعثی‌های عراق میگوید: آنها دولت
فاشیست بعث عراق را "دولتی ملی و دموکراتیک
مینا منده که بطور مسالمت آمیز بسوی سوسیالیسم
روان است" (۱۰).

عراق را نمونه درخشانی از استقرار
سوسیالیسم توسط راه رشد غیر سرمایه داری
نامیده و در جمله مسائل بین الملل خود از
قول رویزیونیست‌های عربی در مورد فاشیست‌های
بعث چنین می‌گویند:

"حوادث اخیر نشان داد که جبهه‌های ملی
موجود در عراق و سوریه بهترین شکل اتحاد
توده‌های مردم و گلیه عنا صرمین پرست
هستند" (۱۱).

منظور از جبهه ملی، جبهه‌ای است که
رویزیونیست‌های عراقی ("توده‌ای‌های" عراق)
با بعثی‌های خاش ساخته بودند.

سوسیال امپریالیست‌های روس سال‌ها
تسلیمات زیادی در مورد "سوسیالیسم بعثت" راه
انداخته بودند، نشریه روسی "پدولوژی، سیاست
و اقتصاد آفریقا" انتشارات پروگرس ۱۹۷۵
می‌نویسد:

"نمونه کشورهایی که از این طریق (راه رشد
غیر سرمایه داری) به سوسیالیسم رسیده اند،

- (۱۰) - ماوشیسم و با زتاب آن در ایران،
صفحه ۱۱۷
- (۱۱) - مسائل بین الملل، شماره ۱۰ فروردین
- اردیبهشت ۱۳۵۲

رویزیونیست‌ها گلبا دهستند، بهر سو که با د
می وزد روان میشوند. آنها ما مولکهای هستند
که در آفتاب برونگ نور در می آیند و در سایه خود
را بسایه می میزند و در میان درختان نیز سبزی
میشوند. آنها میتوانند روزی از اطلاعات ارفسی
شاهانه دفاع کنند (۱)، روز دیگر سبزیهای شاه
خاش را مثبت بنا مند "سیاست دولت ایران در
ارتباط با تجاوزات بین المللی امپریالیستی
در خاور میانه، در ویتنام... بطور نسبی مثبت
است" (۲) و بگویند تا با کشتادن اوبسوی
شوروی "راه رشد غیر سرمایه داری" را در ایران
برقرار نمایند و روز دیگر او را خاش و لایس
سرنگونی بنا مند. روزی آیت الله خمینی را
"مرتجع" بنا مند (۳) و روز دیگر او را بزرگترین
انقلابی جهان، روزی با زرگان راستایش کنند
و خواهان همکاری فعال خود با این نخست وزیر
با صلاح انقلابی شونه (۴)، و روز دیگر او را لیرال
بخوانند، روزی نیز راستایش کنند و انتصاب
او را با مقامات صنعت نفت از بهترین
انتصابات "دولت انقلابی" قلمداد کنند (۵) و
روز دیگر او را بیگانه بگویند که از اول با مخالف
بودند، روزی مدتی جلاد را بعنوان یک قهرمان
انقلابی و ضدا امپریالیست "ستایش" (۶) و روز
دیگر به او شهادت دهند، روزی داوود خان
افغان را "سوسیالیست" بنا مند (۷) و روز دیگر
او را مرتجع، روزی برای حفیظ اللامین هورا
بگنند (۸) و روز دیگر او را آمریکا شای قلمداد
کنند (۹) و روزی...

"حزب توده" هر روز بیک ساز میرقصد، منتهی
سازن او همیشه یکی است:

سوسیال امپریالیسم روس

سیاست‌های امپریالیستی روسیه تمسین
کننده سیاست‌های "حزب توده" است و از نشنا قش
و هر روز بیک رنگ و لباس در آمدن حزب توده، در
همین جاست، اگر سیاست شوروی نزدیکی با شاه

- (۱) - دنیا، دوره دوم، سال هفتم شماره ۳ و نیز
پیا ما برج اسکندری بعنوان دبیر کل حزب به
کنگره دهم حزب رویزیونیست بلغارتان.
- (۲) - نقل از مباحه داد و نوروژی طوکمیته
مرکزی با نشریه فاسیت وابسته به حزب
رویزیونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲
- (۳) - تاریخ نویین ایران از انتشارات حزب
توده، صفحه ۲۲۳ و ۲۵۹
- (۴) - مردم در شش ماه پس از قیام بهمین.
- (۵) - مردم شماره ۱
- (۶) - مردم، ماه‌های مرداد و شهریور ۵۸.
- (۷) - مسائل بین الملل، ۳ تیر ۱۳۵۶
- (۸) - مردم ۲۸ آذر ۵۸
- (۹) - مردم ۱۰۰ دی ۵۸

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



**اخبار
ومسائل
جهانی**

دیت به اقدامات مختلفی زد و از جمله شروع به اخراج کارگران مهاجر فرانسوی مسود (در فرانسه سن ۳ میلیون کارگر مهاجر فرانسوی وجود دارد) این دولت برای اجرای این تصمیم ارتجاعی و اخراج کارگران که سالهاست در فرانسه استثمار میشوند و بیجا طرد می‌شوند کار را می‌خورد از دست می‌دهد به باری کشورهای عرسی موطن این کارگران نیازمند بود که اخیراً در این مورد با دولت الجزایر توافق رسید. دولت فرانسه یک بودجه ۷۰۰ میلیون فرانکی برای اخراج ۳۵۰۰۰ کارگر از مهاجر در سه سال آینده اختصاص داده است و تصمیم به پرداخت ۱۲۸۰۰

کمکهای مالی دریافت شده

ن	ل	ع	ح	ت
۱۳۵۰۰	۱۹۵۰۰	۸۰۰۰	۹۰۰۰	۱۸۳۰۰
۱۹۰۰۰	۴	۹۵۰۰	۸۵۰۰	۱۴۹۹۰
۲۲۱۰۰	۱۵۵۰۰	۱۲۲۰۰	۳۱۰۰۰	۱۵۱۰۰
۵۹۰۰	۷۳۰۰	۴۰۰۰	۱۲۹۹۰	۲۶۰۰
۱۵۱۰۰۰	۷۲۰۰	۸۶۶۰	۳۱۹۰	۳۷۰۰
۱۱۳۰۰	۷۰۰۰	۳۰۰۰	۳۱۹۰	۲۰۰۰
۲۹۰۰	۲۷۰۰	۶۰۰۰	۱۳۳۰	۵۱۰۰۰۰
۱۲۰۰۰	۷۲۰۰	۶۲۳۰	۳۲۲۰۰	۱۲۲۰۰
۵۵۰۰۰	۶۰۰۰	۶۷۰۰	۹۸۰۰	۱۱۲۰۰
۱۲۲۰۰	۱۱۵۰۰	۹۸۰۰	۲۰۰۰	۳۶۰۰
۱۱۱۰۰	۱۲۹۰۰	۱۱۹۹۰	۸۳۰۰	۵۰۰۰
	۶۰۰۰	۱۲۹۹۰	۴۲۷۰۰	۹۲۰۰
	۲۷۰۰	۱۲۹۹۰	۱۹۱۷۰	۹۶۰۰
	۷۹۰۰	۵۰۰۰	۱۴۲۰۰	۹۰۰۰
	۱۲۰۰۰	۹۶۶۰	۳۱۰۰	۲۵۰۰
	۱۱۰۰۰	۷۱۱۰		
	۵۳۳۰			
	۴۲۱۰۰۰			

مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی هر روز گسترده تر میگردند

ایرلند
اعتصاب رانندگان و توزیع کنندگان بنزین بسیاری از موسسات نفتی ایرلند چهار رمین هفته خود را پشت سر گذاشت. کارگران اعتصابی خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد در مقابل افزایش بیش از حد قیمتها هستند.

ایتالیا
اعتصاب کارگران فلزکار
کارخانه اتومبیل سازی فیات برای مقابله با بحران اقتصادی گریبنا نگر موسسه تصمیم به بیگنا کردن ۱۴۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه های فیات گرفته است. روز ۲۵ سپتامبر کلیه کارگران صنایع فلزی ایتالیا برای اعتراض به این تصمیم غذا را نگری سر ما به داران ایتالیا - شی، یک اعتصاب عمومی اعلام کردند. در همان روز کارگران تا سیات فیات در پیه - م - م (مهمترین کارخانه فیات) یک اعتصاب عمومی اعلام نمودند. بهمن منظور از طرف کارگران مبارز ایتالیا شی دو نظا هرات عظیم یکی درنا پل و دیگری در تورینو (مراکز مهم گروه فیات) انجام گردید. مبارزه کارگران ایتالیا شی بر علیه اقدامات غذا نگری کارخانه فیات همچنان ادامه دارد.

زنان کارگر، تولید را در دست میگیرند
۳۱۸ کارگر زن "موسه لاس دوزی بریل" در اورلن (فرانسه) پس از ۴ ماه اشغال کارخانه اقدام به تولید مستقل کردند. در ماه مه بدین اقامات مدیریت کارخانه جهت مدرسیزاسیون موسسه که سنگاری کارگران را بدین اقامت داشت، در ان کارگران این موسسه اقدام به اشغال کارخانه کردند. این کارخانه از موسسات مهم لاس دوزی فرانسه است و برای موسسهی سرکاردن طراح معروف فرانسوی لپاس های گران قیمت تهیه میگرد.

- ۱- رفیق مادرع ۱۰۰۰ ریال.
- ۲- رفیقی از فرانسه ۲۰۰۰ ریال.
- ۳- رفقای کارگر هواداران از آراک ۱۰۰۰ ریال.
- ۴- رفقای هواداران از خمین ۵۰۰۰ ریال.
- ۵- الف - ی از سراب ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۶- بخش کارگری غرب تهران ۲۲۰۰۰ ریال.
- ۷- رفقای هواداران از جنوب غرب تهران ۵۰۰۰ ریال.
- ۸- رفقای هواداران از کرچ ۹۰۰۰ ریال.
- ۹- رفقای هواداران از نازی آباد تهران ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۰- رفیقی از نازی آباد ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۱- رفیق (ب- ه) ۳۰۰۰ ریال.
- ۱۲- م (برای گردستان) ۱۸۰۰۰ ریال.
- ۱۳- رفیق هواداران از مسجد سلیمان ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۴- رفیق معلم ۱۱۳۵۰ ریال.
- ۱۵- رفقای معلم هواداران (گیلان) ۶۰۰۰ ریال.
- ۱۶- م (کارگر از رشت) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۷- م - ل (ماداران گیلان) ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۸- رفقای هواداران از نازی آباد ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۹- دانشجویان و دانش آموزان هواداران از سازمان بیگار (انزلی) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۲۰- رفقای محلات (انزلی) ۵۰۰۰ ریال.
- ۲۱- رشادی ۲۰۰۰۰ ریال.
- ۲۲- م (کارمند از رشت) ۲۸۰۰۰ ریال.
- ۲۳- ن (انزلی) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۲۴- رفقای هواداران (لاهیجان) ۳۷۰۰۰ ریال.
- ۲۵- رفیق دانش آموز ۳۰۰۰۰ ریال.
- ۲۶- رفیق ع (راشده) ۵۰۰۰۰ ریال.
- ۲۷- رفیق دربند (گیلان) ۵۰۰۰۰ ریال.
- ۲۸- مسافر (لاهیجان) ۲۵۰۰۰ ریال.
- ۲۹- رفقای هواداران (لاهیجان) ۳۲۵۰۰ ریال.
- ۳۰- رفقای دیپلمه از جنوب ۵۰۰۰ ریال.
- ۳۱- رفیق هواداران از جنوب ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۳۲- رفیق دانش آموزان از هواز ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۳۳- رفیق م - م از هواز ۱۹۰۰۰ ریال.
- ۳۴- رفیق آرا م ۶۵۰۰۰ ریال.
- ۳۵- رفیق ب ۲۱۴، کمک مالی ات رسید.
- ۳۶- رفقای (دانشجو)، کمکهای داروئی و مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۳۷- رفقای (AA-55)، (الف از رشت)، (غ- ۳۱)، هدیه شما رسید.
- ۳۸- روستایان مبارزان (س- ت) اطراف کامیاران مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما به سمنگران سازمان رسید.
- ۳۹- رفیق (ک) هدیه شما به سمنگران سازمان (منطقه کامیاران) رسید.
- ۴۰- رفیق هواداران از روستای کلیکان (مازندران) مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴۱- رفیق دانش آموز (و- ۷۱) کمک مالی ات رسید.
- ۴۲- رفیق دانش آموز (س- ر) از روستای قهابکتی با ماهی کوتاه و مویی برای سازمان فرستاده که با آرزوی موفقیت برای اوقستی از ما شاد را در برمی آورد.
- ۴۳- من بگی از هواداران سازمان بیگار هستم و این مبلغ را به سازمان بیگار تقدیم عرض میبم و مدوا هر چه زودتر از دستم با سر ما به داری و بسته ها گردیم.

از انتشارات جدید سازمان

نئین درباره جنگ مجموعه مقالات (۱)

قیمت ۲۰۰۰

فرانسه
اخراج کارگران مهاجر
بدینال سفر ۴۸ ساعت و از سرخا رجه فرانسه به الجزایر، هندو کشور در مورد با زگشت کارگران الجزایری از فرانسه به موافقت رسیدند. دولت امپریالیستی فرانسه از چندین سال پیش برای رها نمودن خود از بحران های اقتصادی، درونی

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماشای آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت پنجم)

پیکار: رفیق تراب، شما در قسمتهای پیشین مصاحبه به موضع روحانیون بسزرگ منجمله آیت الله خمینی از شهریور ۲۰ بعد از اقامت داشتید. همچنین از فعالیت روحانیون در اوایل سالهای ۴۰ و موضع گیری آقای خمینی همزمان با ۱۵ خرداد ۴۲ و پس از آن تا تبعید وی به خارج از کشور سخن به میان آوردید. آیا در ایران هم با آیت الله تعالی سوسی داشتید؟

رفیق تراب: با بدگوییم که تماسهای من با آیت الله خمینی در نجف در سالهای ۴۹ تا ۵۳ بنمایندگی از سازمان مجاهدین خلق ایران، اولین تماس من مستقیم من با آیت الله نبود. قبلاً در سالهای ۴۰ تا ۴۲ چندین بار از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویمان "نهفت آزادی" با مجتهدین معروف وقت منجمله آیت الله خمینی ملاقات کردم. در آن زمان انجمن اسلامی دانشجویان یک نهاد دانشجویی با گرایشهای دمکراتیک بود. ما هدیه خلیل نژاد دومین حزب شورای مرکزی انجمنهای اسلامی دانشگاه بودیم و اعلامیه های ما دمکراتیک و انقلابی اقتدار متوسط جامعه در آن زمان را بخوبی نشان میداد و به همین لحاظ برای برخی از همفکران ما و سران نهفت آزادی تندروانه جلوه میکرد. ما در نهفت آزادی نیز همراه با جوانان پرشوری از کارها و اعمالی نهفت بودیم که سیاست رفرمیستی رهبری رانسی توانستیم همگنیم و به همین دلیل وقتی اعضای هیئت اجرایی نهفت در اول خرداد ۴۲ دستگیر شدند و فعالیت تبلیغی و افشاگرانه نهفت بعهده ما افتاد. اعلامیه های مریخ و تندری مشخصاً علیه شاه، بنمای نهفت ما در میگردیم که مورد اعتراض برخی از مسئولین نهفت قرار میگرفت ولی ما به کارمان ادا می میدادیم.

این وضع تا اوایل سال ۴۳ ادا می یافت و من همراه با دوسه نفر دیگر با مشورت یکی از مسئولین نهفت و گاه تماس با زندان، به انتشار دفاعیات نهفتی ها در دادگاه، هدور اعلامیه های افشاگرانه، تدوین و نشر برخی جزوات مبارزاتی که مشخصاً اصلاح طلبی را رد میکرد و تا هر مسورد حمله قرار میداد و همکاری با دیگر نیروهای مبارز میسر میسر داشتیم و البته از کارهای باقی مانده و هواداران نهفت هم در این راه کمک می گرفتیم.

یکی از فعالیت های ما که در کنار کارهای تشکیلاتی ما انجام میدادیم تماس با روحانیون مبارز بود که در اینجا فقط به تماس با آیت الله خمینی اشاره میکنم. بگیم رپس از خرداد ۴۲ با مقداری قابل توجهی از دانشجویان انجمن اسلامی یک راهیما شدی در قم ترتیب دادیم و به منزل آیت الله خمینی که تازه از زندان چند ماهه آزاد شده بود رفتیم. در آنجا طی یک سخنرانی و نشست، نظرات همفکرانمان را برای آیت الله گفتیم. در آن زمان با وجود آنکه ندیده مبارزاتی

ما شکل ابتدائی خود را میگذرانید و از حدود و طبقاتی و ایدئولوژیک خود البته نمیتوانست فراتر بروید، روی این مسائل تا یکدیگر میزدیم، مسائلی که نشان دهنده نوع برخورد و دستگیری فکری و مبارزاتی ما در آن سالهاست:

۱- "لبه تیز حمله با بد متوجه آمریکا و اسرائیل و عمال آنها در ایران با شد و مسائل حزبی نظیر انجمنهای ایالتی و ولایتی قابل طرح نیستند."

۲- "روحانیت مبارز و "حمش اسلامی" باید از حالت خود بخودی بیرون بیاید و ضروری است که تشکیلات داشته باشد."

۳- "در برابر دشمنان مردم "با بد برخوردی"

منافع واقعی بوده ها کاری نتوانسته اند اینجا مدهدحتی در دشواری هم مطرح نگرداندند و چاره ای جز این ندارند. ما هیت طبقاتی آنان و ایدئولوژی شان اجازه نمیدهد که با فرانسر گذارده شود. امروز برنا مه ای مورد نیاز توده هاست که بتواند نیازهای جامعه را متناسب با مرحله کنونی از تاریخ تکامل حل کند. یعنی برنا مه مبارزه جهت امحاء طغیان میربا لسم و احیاء حکومت کارگران و زحمتکشان، دستگیری بسمت الفاعل انتخام روسوی جامعه ای که در آن طبقات ازین رفته باشد. مفهوم "بی برنا مه" بودن رژیم جمهوری اسلامی را در همین ماهیت ارتجاعی طبقه حاکم و عجز ایدئولوژی آن برای حل مسائل

● در سال ۴۲ از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان مضون نهفت آزادی چه پیشنهاداتی را به مراجع ویژه آیت الله خمینی ارائه میکردیم؟ ما چه مراحلی را پشت سر گذارده ایم چه منظور به پایگاه های فلسطینی و ضد عراق سفر کردیم. هدف ما از ملاقات با آیت الله خمینی چه بود؟

مستطاب مصر کنونی با بد جستجو کرد، عجزی که داتی این رژیم است.



پس از خرداد ۴۲ تلاش کارهای جوان و مبارز نهفت آزادی برای بیرون آوردن آن از رفرمیسم ریشه دارش و تشکل مجدد، عمت ماند و به همین لحاظ سو که پس از تشکل هسته اولیه سازمان مجاهدین خلق ایران، من بدان پیوستم و جهان بهی سازمان را که اسلامی و انقلابی می دادا نستم قبول داشتم. ما به مبارزه انقلابی علیه امیربا لسم و رژیم دست نشاندگان و خاشن و رها شدی مردم زحمتکش میهن مان می اندیشیدیم و در راه آن فعالیت میگردیم و مسلم است که بهیشت و شعاع عمل ما از حیظه ما هیت طبقاتی ما و شرایط حاکم بر جامعه مان نمیتوانست فراتر رود و نیز بر همین پایه بود که ما برداشتهای مترقیانه ای از اسلام می نمودیم. من مدت یک سال از نیمه ۴۲ تا نیمه ۴۳ تمام وقت به کار مبارزه پرداختم و مخفی بودم و پس از پیوستن به سازمان مجاهدین و چند سال فعالیت انقلابی در سنگرمجا هدین خلق، در آغاز فروردین ۴۹ هر اولین هیئت اعزامی این سازمان مرکب از مجاهدین و رسول مشکین قام، یک رفیق دیگر و من برای مذاکره و برقراری تماس با جنبش مقاومت فلسطین و تدارک آموزش نظامی بطور قاچاق و از مرز جنوب، به خارج از کشور رفتیم و بدتیا ل آن ۹ سال تمام (قریب ۶ سال در منضمبازان) بنا به دستور سازمان در خارج کشور به وظایف انقلابی و تشکیلاتی خود مشغول بودم.

انقلابی داشت نه اصلاح طلبانه". البته خوانندگان پیکار اگر قسمتهای قبسی مصاحبه را مطالعه کرده باشند میتوانند درک کنند که ما این پیشنهادها را در چه موعوی مطرح میگردیم، جوی که رفرمیسم و سازشکاری بر آن مسلط بود.

۴- "ایدئولوژی و برنا مه اسلامی بخصوص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی مدون نشده است" و در این باره ما از آیت الله جاره - جوئی میگردیم، ما پس از ذکر تلاشی که خودمان بکمک کسانی امثال آیت الله طالقانی، غفوری و مطهری انجام داده بودیم به آیت الله گفتیم که برنا مه "عوانان مسلمان" در مقابل ما برنا مه های سا بر مکاتب فکری (بسمیرا ترو زمان) دارای نقض فراوان است و آیت الله در جواب ما گفت که "نه، اصلاح چین نیست، اسلام برای همه چیز برنا مه دارد".

اکنون بپیمیم این برنا مه از چه نوعی است؟ این برنا مه با مرحله دیگری از تکامل تاریخی بشر که دوران سیری شده میتواند منطبق باشد. هرچنان اسلامی برنا مه دارند، اما مربوط به کدام زمان؟ کتا بهای فقهی اسلامی (سویزه شیمی) برای دوره برداری و فتوای خبلی هم برنا مه دارد. از آداب عفتن بگیر تا معاملات و جزا. طی سالهای گذشته سویزه در بکسال ونیم غیر بسیاری از ما مطلع متفکرین اسلامی کوشیده اند در همان چارچوبهای فکری گذشته ما مثل روز و حل مشکلات اجتماعی برخورد کنند، اما نتیجه ای جز در حار زدن، جز کمک به بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و ایجا دستگیری در سطح و رو بسا و نه در جهت

استادسه ماهه کار سیاسی و ارتباطی مشغول بودم. در تیرماه ۴۹ مغفبا نه به ایران برگشتم و پس از چند روز همراه با فرست ۱۰ نفر برادران محاهد و معنویان راهنمای آنان دوباره به مناطق خلیج فارس رفتم. در سفر دوم حدود یکماه همراه با محاهد شهید محمود شامخی در ابوظبی که در آن زمان مستقیماً مستعمره انگلیس بود زندانی بودم و بعد بلافاصله به لبنان و اردن رفتم. در آنجا تعداد دیگری از محاهدین گسرد می آمدند من جمله شهید اصغر بدیع زادگان و محمد بازرگان و رضاشاهی. فعالیت ما در لبنان و سویزه اردن تا دوسه ماه بعد یعنی تا پس از سپتامبر سال ۱۹۷۰ طول کشید. عده ای از برادران ما که در راه پیوستن به ما بودند در بی دستگیر شده بودند و سازمان تلاش خود را بکار برد تا از تحویل آنان به ایران مانع شود. و در همین راه رابطه یک هواپیمای ایرانی که ۶ برادر از زندانی ما را به تهران می آورد بوسیله ۳ نفر دیگر از برادران من متعلقه رفیق روحانی رسیده و به بعد ابدیده شد ولی مقامات عراقی برادران ما را که حاضر نبودند خود را در خدمت عراقیها قرار دهند به زندان انداختند و شکنجه تان می کردند و احتمال داشت که آنها را به ایران تحویل دهند، امری که برای سازمان مخفی ما در آنروز البته گران تمام میشد.

سازمان این بار برای نجات ۹ نفر از هم از زندان بغداد با بد تلاش میکرد. سفر من به عراق و ملاقات با آیت الله خمینی یکی از این تلاشها بود. در آن ۲۹ من همراهان ماهی از آیت الله طالقانی به آیت الله خمینی به نجف رفتم و با آشنائی و معرفی آقای آقای، نام مرا برای آیت الله خمینی بردم. تا مه در تقویمی جیبی با جوهر نایز مرئی نوشته شده و چند روز قبل از آن مغفبا نه به خارج ارسال و به ما رسیده بود. آقای خمینی مرا بطور خصوصی پذیرفت و کس دیگری در اتاق نبود. تا من مرئی را با ما دهظا هرکننده آن، طوی آیت الله خوانا کردم و ناگاه آیت الله طالقانی را که بر اساس شناخت او از منمنا گذاران سازمان تشبه شده بوده آقای خمینی دادم. نامه با آیه ای از سوره کهف:

"انهم فتیة امنوا یوسمهم و ذنا هم هدی" - یعنی آنها خوانائی هستند که به پروردگاران آسمان آورده اند و ما بردها بستان افزوده ام - شروع میشد (۱). تا ماه آیت الله میخواست که بهر نحو صلاح میدانم مانع از تحویل برادران زندانی ما از طرف رژیم عراق به ایران گردد. آیت الله رمزاطمینائی را که آقای طالقانی داده بود و

(۱) - آیت الله خمینی در سخنرانی ۴ تیرماه ۵۹ خود ضمن ذکر این قضیه، نه نام آیت الله طالقانی را بر زبان آورد و نه آیه قرآن را تا به آخر خواند و مشخصاً کلمه "امنوا" را که "ایمان آورده اند" معنا میدهد و معادق آن بر اساس تا ماه آیت الله طالقانی "محاهدین هستند، نخواهد! (پیکار)

نیز محبت امضای نامه را تا شد کرد و از من پرسید: "خوب، من چه باید بکنم؟" من در پاسخ حداقل تقاضا را مطرح کردم و گفتم: "فقط کافی است شما به عراقیها پیغام دهید که خبری دربارت نیست کرده اند که اینها جاسوس رژیم شاه نیستند و تفصیل قضیه را موقوف به اخبار بعدی از ایران بنمائید

و آیت الله خمینی هم هرگز کلمه ای در نا درست و غیر اسلامی بودن آنها به او نگفت و با ژو بیادش هست که هنگامی در نوشتن گفتا رسرای آن برنامه و نیز از دیوبندگری که بعدها بنام "روحانیون مبارز" - بعدت چند ماه - دا شربود (اوا خرسال ۵۲) از جانب ما همچنان ادا مه داشت.

● چرا برخی از صحرایان زسالهای گذشته امروزه به قدرت رسیده اند، موضع ضد انقلابی دارند و مجاهدین خلق را "مناقق" می نامند و چرا در پرونده تنها با مجاهدین همکاری داشتند بلکه از کمونیستها نیز بخوبی یاد میکردند؟

که ما خود را با اقدام می کنیم". و او اضافه کرد که این برادران در راه مغربسوی با نگاههای انقلاب فلسطین بوده اند و من نیز از بیگاههای الفتح نزد شما آمده ام. در آنروز، آیت الله از بدلولوی ما پرسید و نه فرصت طرح آن برای او بود. آقای خمینی گفت: "اگر اقدامی کندم ممکن است برای آنها (زندانیان) بدتر شود" (ا) من "بدرتشدن" را نمی توانستم قبول کنم و گفتم: آنها زسر شکنجه شدید قرا ردا رند و در معرض تحویل به ایران هستند ولی وی نه در آن نماند و نه بعد از آن. چاره هیچ کمکی به ما نشد بدون اینکه کوچکترس اطلاعی از اصطلاح اشکالات اعتقادی ما در آن زمان داشته باشد. البته چند روز پس از ملاقات اول، آیت الله توجه دیگری برای این

بطور کلی می گویم: آقایان خرد بورژوا - هائی که تا دیروز بر اساس نیازهای محدود مبارزاتی شان گرد ما حلقه میزدند امروزه به قدرت رسیده و به خدمت بورژوازی در آمده اند از همین موضع ضد انقلابی، علیه ما سخن برانگیزی میکنند، ما را "فربکار" میخوانند و واقعیت جنبش خونبار گذشته را در جهت منافع محدود طبقاتی خویش مورد تحریف و انکار قرا می دهند. باری، شما ما با آیت الله، دادن اخبار جنس - من جمله نشریات خودمان - به او ادا مه یافت. اما آیت الله اگر ما مجاهدین را تا شمس نکرد، هرگز تکذیب همتوانست بکند، چرا؟ پاسخ این "چرا" را بعداً خواهد داد.

(ا ادا مه دارد)

بقیه از صفحه ۱۳ حزب توده... سرکوب میکنند و از سوی دیگر آنها با هم به "تائید کلابه امیز" از متحدین ضد امپریالیست خود یعنی جناب البکر و صدام حسین می پردازند. آنها می گویند:

"آقای رئیس جمهوری محترم احمد حسن البکر آقای نایب محترم رئیس شورای انقلاب صدام حسین، رفقای محترم اعزای رهبری قطری (کشوری - پیکار) حزب بعث عربسی اشتراکی.

اکنون با رد پیکار تا کید می کنیم که وظایف مهنی و ملی و اجتماعی که ما را با هم متحد میما زد، بزرگتر از هرگونه مورد اختلافی در بین ما است و جنبه کاما یک ضرورت مهنی است و همه وجوهای تشکیل آن همچنان برای خود باقی است. حفظ و تحکیم خط منی مترقی و تحقق وظایف بزرگ سیاسی اقتصادی و اجتماعی که در برابر جنبش ملی و انقلابی ما قرار گرفته است چنین اقتضا می کند."

بدین ترتیب ابتدا فاشیستهای بعثت، دیکرات و ملی و برپا دارنده سوسیا لیسم میشوند سپس حکومت ملی ای که یکسو اقدامات نادرست انجام میدهد و الان بیکساره این دولت بمنشوان کارگزار امپریالیسم میانه میشود ما اینکساره کاری با ترهات رویزونیستی مبنی بر "راه رشد غیر سراسر ما به داری عراق" نداریم که این سسز خود بسپار و روشکسته است فقط اینرا میخواهیم نشان دهیم که ما هیت رژیمها را رویزونیستهای بقیه در صفحه ۱۸

عدم موضعگیری مطرح نبودن آن است که "میخواهد از عراقیها تقاضائی بکنند تا قاضی متقابلی از سوی آنان بدینال داشته باشد". واضح است که آنچه من میخواستم، تقاضا از دولت عراق محسوب نمیشد و او اضافه میکند که آیت الله از امینا زائی - هر چند غیر رسمی - در عراق سرخوردار بود که مانع "پیغام" تیشنهادی من نبود. تا بدین موضوع را در قسمتهای بعدی این معا حبه بیشتر بتوانم شرح دهم.

آقای دعائی که امروزه خیل ضد انقلابی که کمونیستها و مجاهدین را بر تلاق شمت و تکفیر گرفته اند بیوسه است و تلاشهای انقلابی ما در آن سالها را "مناققانه" نامیده است، خوب سیاد دارد که قدرتی آنکه کسی - حتی آیت الله خمینی - منوچه بود، خودش در راه آزادی و جلوگیری از شکنجه برادران ما کوشد و بازماندند که سرانجام، بنام ما با الفتح و ساطت نمانده آن سازمان، مانع تحویل آن برادران و آزادی آنها گردید. او با دش هت که جفدر از این موضع - گیری آیت الله ناراحت بوده و جنی نزد او - بقول خودش - گریه کرده است. آقای دعائی ساء داد که از زمان سال ۴۹ که من او را در بغداد دیدم و رفتن را انقلابی و شکستلانی من و دیگر برادران که از ادقنا منطق سر "اندالهای اسلامی اش" میداست، او و برخی دیگر از دوستانش در نجف را جدر تحت تا شرف قرار میداد. او به بادش هت که دهها گفتا رادبوشی بر ما - هتص روحانیست" را که او از ادبوشی داد اجرا میکرد، من با ناکا۲۰ موزشهای سازمان منم منوشتم

ملاحظات کوتاه

لعنت به هردو تاشون!

جنگ ارتجاعی و غیرعادلانه بین رژیمهای ایران و عراق هرروز ویرانیهای بیشتر، کشتههای زیاد و خسارتهای افزونتری بسیار میآورد. هردو طرف با دست و پاهای خاص خود - شان، زحمتکشان دوکشور را به سوی کشتارگاه روانه میکنند. گوشتی سرما به داران خودی و امپریالیستهای آمریکا و اروپا و سوسیال امپریالیست روس را به تماشا میآورد. این نبرد گلابی توورها دعوت کرده اند، تا آنها سلاحهایشان را که مدتی است پس از جنگ ویتنام و اعراب و اسرائیل در انبارها مانده است در این بازار مکاره نفست آلوده خاورمیانه تاب کنند. آتش بسیار این صعرکه در درجه اول رژیمهای ایران و عراقند. هردو شان بیزبان، دم زانسانیت، اسلام و حقوق مستضعفان میزنند و با زهدوشان بیادست، توده های ستمدیده دوکشور را بیشتر به روز سیاه می نشانند. آخر، ما هیت فدعلقی هردو شان و ما هیت این جنگ کثیف چیزی جز این اجاب نمی کند. هیچکدام از دیگری بهتر نیستند، "هر دو بدترینند!" هردو شان و جنگشان را محکوم کنیم. نقاب از چهره هردو شان برداریم!

از یانکی های یاد گرفته اند،

از استادشان!

امپریالیستهای آمریکائی، جنایتکاران حرفه ای و محکومین به اعدام را به ویتنام می فرستادند تا آنها عقده های جنایتکاری شان را بر سر خلق قهرمان ویتنام خالی کنند و در مجازات شان تخفیف حاصل شود تا گردان ایرانی آنها هم کودتا چپان و فدا انقلابیون بخنجر رنجی و اوسسی چی را برای "تظهير" و "خرگشتن" از زندان بیرون آورده برای بسماران دهکده ها و شهرهای عراق می فرستند. یکی از همین "خرقائی اسلامی آورده و تظهير شده طی معاصبه های در تلویزیون روز چهارشنبه ۱۶ مهر میگفت وقتی برای "انجام ماموریت" بر فراز پایگاه همانیمه عراق پرواز میکردم چنان غافلگیرانه آسرا کوبیدم که "عمله های که جا ده را تعمیر میکردند فرصت انداختن بیبل و کلنگشان را نداشتند!" میگهای روسی کارگران ایران ناسیونال و زحمتکشان خوزستان و سایر شهرهای ایران را میکوبند و فاشیونهای آمریکائی "عمله های" عراقی را، جوانان افتخار میکنند و از دست خانین بزرگترشان عاجزه دریافت میدارند. یکی میخواهد "فتح قاسمیه" را تکرار کند و دیگری میخواهد "انقلاب" ما در کند! تاوان هردو کارگران و زحمتکشان با بدبیردازنه، سنگ بر جنگ امروزان!

این سخنان میخواب هدپرستل مبارزانش را به اطاعت کورکورانه از فرماندهان مزدور آمریکائی در ارتش ایران وادار میزند. و دشمنی خود را با کمونیستها و نیروهای انقلابی آشکارا بیان میکند. زحمتکشان ما بارها شاهد بودیم که این تیمسار سرسپرده آمریکا و نورچشمی امام، چگونه دستور اخراج و دستگیری و زندانی کردن پرسنل انقلابی ارتش را صادر کرده است. سند شماره ۲ نمونه ای از اقدامات فدخلقی این عنصر حنا بتکار در ارتش را نشان میدهد:

درج شدن اسم غاشبینی همچون حزب توده در سند مذکور در این رابطه است که فلاحی این عنصر کله پوک نمی فهمد که حزب غاشن توده جزو نیروهای انقلابی و کمونیست نیست. چه حزب توده نیز در خدمت کردن به رژیم ارتجاعی حاکم دست کمی از خود فلاحی ندارد!

حال با توجه به سوابق ننگین تیمسار "فلاحی"، کارگران و زحمتکشان ما قضاوت کنند که در جنگ ایران و عراق، امثال فلاحی و ظهیرزاد چگونه میتوانند زخلقها و انقلاب دفاع کنند. تیمسار فلاحی و امثال او دشمنان دیروز، امروز و فردای خلقهای میهن ما هستند. جنگی که امثال فلاحی بدان دامن زده و خلقهای دوکشور ایران و عراق را قربانی مفاد پلید و فدخلقی خود می نمایند، جنگی نیست که منافع خلقهای زحمتکش ما باشد. این جنگ، جنگی است بر ضد زخلقهای عراق و ایران و بیفیع فرماندهان ارتشی همچون فلاحی و کلانزیم جمهوری اسلامی، جنگی است که راه را برای امپریالیست آمریکا در ایران، هموارتر میسازد و جنگی است که در آن تنها کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران و عراق قربانی میگردند.

که گذشته از استفاده تبلیغاتی برای ضروری هم برای امپریالیستها باشد. چنین است که در همین هفته گذشته وقتی رژیم ایران اسلام کرد تنگه هرمز را در صورت ادامه جنگ می بندد و امپریالیست آمریکا فوراً واکنش نشان داد تا ما جناحهای هیات حاکمه که از این مسئله فاسط میخواستند بعنوان ما نور تبلیغاتی استفاده کنند، عقب کشیدند، و عیان ساختند که موافقت منافع امپریالیست هستند. اگر گاهی اوقات برای فریب توده ها به امپریالیست فحش میدهند اما هرگز نمیخواهند ضرری به او برسانند. و در هیات حاکمه نیز مشخص شد که اگر چه در مورد شکل برخورد (دشمنان دادن یا ندادن) اختلاف هست اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیست اختلافی نیست.

بهر حال در هفته گذشته "المرالها" "سرد" اغیرشان در مورد ارتش را همچنان ادامه دادند در حالی که در مورد مسئله گروگانها شکست خوردند و اما در دعوی بر سر جنگی سیاست خارجی همچنان ادامه دادند.

بقیه از صفحه ۸

تیمسار...

مالک دستور داد: "مقامت کنیدا لان هلیکوپتر را بکمک شما میفرستم" (۱)

بعدا زقیام، سرتیپ فلاحی بنا به حکم دادستانی کل دستگیر میشود و بعد از حدود ۲۰ روز برای خدمت به رژیم جمهوری اسلامی یک شبه مسلمان شده و آزاد میگردد. در زیر سند شماره ۱ حکم جلب تیمسار فلاحی را ملاحظه میکنید:

سرتیپ مزدور آمریکا بعد از آزادی، از دست رژیم جمهوری اسلامی از نورچشمیان آیت الله خمینی گشته و توسط او به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و مقام جانشینی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی منصوب میگردد. فلاحی بعد از محکم کردن زیر پای خود در ارتش، بنا به سیاست رژیم، دانشی دیرینه خود را با خلقهای زحمتکش میهن ما آقا ز نمود. کشتاری که او به دستور رژیم زخلقهای کرد و ترکمن براه انداخته و ادا می دهد، کم نظیر میباشد. آری، این واقعه ای است که قتل عام هالی دهکده های قارنا، قلاتان، گاشی ما مید توسط پاسداران و ارتش به فرماندهی تیمسار فلاحی، دست کمی از جناب تامل امپریالیست آمریکا در ویتنام ندارد. آخر، جناب تیمسار فلاحی از شرکت در قتل عام خلق ویتنام و مواظبت لهه دربار آن نیز، تحریباتی اندوخته اند! بعلاوه فلاحی با تمام قوا میکوشد تا خفقان را نسبت به عناصر مبارز در ارتش گسترش دهد در این ارتباط او شدیداً با تشکیل شوراهای ارتش مخالف است. او در باره دکان سنج گفت: "من با شورا در ارتش مخالفم فلاحی بسا"

(۱) - گزارش حمله به دکان مذکور و نقاشی تیمسار فلاحی در ارتش در بیکار شماره ۴۲ و ویژه قیام آورده ایم.

بقیه از صفحه ۲۴

تصادفهای...

به کمک برادران بورژوازش آمده است پسین اختلاف در مورد سیاست خارجی، در مورد حضور و عدم حضور غیرنگاران خارجی نیز در گرفته است لیبیرالها برای ترویج عادی تر کردن روابط با امپریالیستها خواهان حضور این غیرنگاران هستند و حزب جمهوری از ترس منعکس شدن برخی اقداماتش که بورژوازی بین المللی از آن استفاده میکند، مانند حد زدن، شلاق زدن و تیر - باران فواحش و گول خوردگان مخالف عدم حضور آنان است. چنین است که بعضی صدر در نطق خود به حزب جمهوری حمله میکنند و میگویند اگر در سطح جهانی اخبار بیشتر بیفیع عراق منعکس میشود بغافلریست معدم حضور غیرنگاران است و حزب جمهوری در روزنامه اش "کورد" میگوید: "حضور غیرنگاران خارجی زیانناک است."

در اینجا لازم است به یک نکته مهم اشاره کنیم و آن این است که: حزب جمهوری اسلامی تنها زمانی دم از مخالفت با امپریالیست میزند

ملاحظات کوتاه

اراجینی بنام "درس دیالکتیک"

برای تفریح هم که شده "درس" های بنی مدر در تلوویزیون کانال ۲ را تماشا کنید هم از جردن - با تش که نشخوار مبتذل حرفهای شورسین - های بورژوازی نظیر گوریچ، بوهر، گارودی و امثال آنهاست روده برخواهند شد و هم سرمایه به داری و امانده در برابر جیش خلق که میکوشد تا چنین "استدلالات" و "درس" های بی مصاف ما را کسیم - لنینیم برود حالت تحقیقی عمیق و توأم با شفر علیّه مرتجعین به شما دست خواهد داد.

بنی صدگانه با آب و تاب و گاه با خمیازه و شکله در آوردن میکوشد تا شاکراش را معتقد به حرفهای کند که بنیادگاران سوسیالیسم علمی عدال پیش جواش را کف دست گویند گانش گذرانده اند. این آقا فکر میکنند نوبش را آورده و جوانان آگاه ما خود را به ریمان پوسیده او میاویزند! جوانان آگاه خلق ما میدانند که جسدن به این ریمان همان سقوط درجه بورژوازی و امیرالیسم همان! در عین حال افشای اهداف بورژوازی بنی صدرا از این "بحث" ها و ابطال علمی "استدلالات" او وظیفه - ای است که کمونیستها نباید از آن غفلت کنند.

بحران دریائین، شکاف در بالا

اعتدای مبارزات توده ها موجب شکاف بیشتر بین جناحهای هیات حاکمه است. بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بارها یکدیگر را افشا کرده اند. بنی صدر که در خارج جنگ و تحکیم موقعیت ارتش فذخلقی، وضع خودش هم همراه با دیگر لیمیرالها بهتر شده است، شب جمعه گذشته در تلوویزیون بعد از گوشه های که به رقیب زد و شخما خا منهای را نا وارد و عامل "تخمبسف" روحه مردم "دانست، از یک نکته دیگر هم برده برداشت و رقیب خود حزب جمهوری اسلامی را منهم کرده که در راه وابستگی به امیرالیسم سر می - کند و سواستش این است که میگوید:

"با فروش بیشتر نفت و واردات بیشتر فرزندم را راضی نگاه داریم تا رژیم حفظ شود و مکتب را پیش ببریم." ما از بنی صدر که موزرانه میگوید خود را تظهر کند می پرسیم آیا او سواستی بهتر از هممالکی های خود دارد؟ نخره نشان داده است که مگ زرد پرا در شنا له!

با زرگان، نزیبه، مدنی و دولت عراق و سومالی و... را قلب کردند، اکنون نیر سواستی به قلب حقایق در مورد این جنگ می بردند، اما همچنان که در تمام موارد فوق رسوا شدند، با زهر رسوا نشر خواهند شد.



و بیکاری حا طلی نمی سرد. آقای نعمت زاده خود را لومیدهد: " برای اسفلال کشور با بدهر چه بیشتر تولید کرد." پس دعوا بر سر کشیدن میزان بیشتر از شیر هان کارگران است. پس جنگ برای سرمایه داران مفید و مثبت است نه برای کارگران، چرا که با تسلیمات وسیع خود کارگران را به کار بیشتری وادار میکنند. در این شرایط جنگی هر چه فلاکت و نکبت است از رفغان کارگران میشود و در عوض استخما ریشتر کارگران نصب سرمایه داران. چنین است که آتش بس داده شده از سوی عراق (که در ارتباط با عدم توانایی و کشتار ادامه جنگ برای عراق و نیز استغاده بیشتر از تفوق نسبی در جبهه ها داده شده بود) از سوی ایران ردم میشود و ما حکمگری و مذاکره نیز مزمود اعلام میشود. جنگ مثبت است چرا که بقول و رفسنجایی، مردم دیگر حزبی نخواهند خواست جنگ مفید است چرا که بقول وزیر متبایع و معادن کارگران بیشتر تولید خواهد کرد.

پس نتیجه بگیریم: جنگ به این خاطر از سوی رژیم تبلیغ می - شود که مانع انقلاب شده خواستهای توده ها را به بند کشد، توهم را باغزاید و کارگران را بیشتر استخما رکند. کشتار، فلاکت، قحطی و سبک کاری زحمتکشان مهم نیست، اهداف ارتجاعی هیات حاکمه مهم است.

بقیه از صفحه ۱۶ حزب توده...

خروجی نه برمنای ماهت طبقاتی انسان بلکه برمنای روابط استعمارگرانه شوروی با آنان می سجدند، اگر منافع شوروی اجباب کند، فاشتهای بعث سوسیالیست میشوند با نوکرا میربالیست!

"توده" های "خاش اکتون برای بدست آوردن دل جمهوری اسلامی به جوی بعثت و مدج رژیم ایران مشغولند، تا مگوش آنها اینست که جای بایی برای سوسال امیرالیسم در رژیم ایران اجباب کنند. "منهن پرستی" توده - ایها "در شرایط کنونی برای اجنست که سلاحهای روسی به ایران فروخته شود و تا بدهم "راه رشد غیر سرمایه داری" (سخوان مستعمره) دیگری برای شوروی جور شود.

برای ریزبوسیستهای "توده" ای "فلاکت و بدبختیهای که جنگ برای زحمتکشان ایران و عراق به پیش می آورد مهم نیست، آنچه را که تا دیروز در مورد عراق میگفتند مهم نیست، مهم منافع شوروی امیرالیستی است. "حزب توده" جنگ غیرعا دلانه کنونی را عا دلانه میخواند و از توده ها میخواهد تا به سپاه پاسداران بپیوندند و تلسدر با لاسرند و خلاصه خود را فدای جمهوری اسلامی کنند. آنان با خطر منافع شوروی، دولت فذخلقی ایران را بزرگ میکنند، آنان بنی صا به سوتال، نویسندهای شما معیار ما هیات جنگ کنونی و ما هیات رژیم جمهوری اسلامی را قلب میکنند. آخر آنها دروغگو با بزرگی هستند و همچنان که بدتها ما هیات رژیم شاه، جبهه ملی،

بقیه از صفحه ۲۴ جنگ طلبی...

با مطلع صدور انقلاب اسلامی و سرکوب انقلابیون هستند. چنین است که آقای هاشمی رفسنجایی اثرات جنگ را مثبت ارزیابی میکند:

"از حجت الاسلام هاشمی رفسنجایی در مورد اثرات جنگ تعمیلی ایران و عراق در کشور - های منطقه مخصوص عراق سئوال شدوی در جواب گفت: "البته جنگ یک خسارتسی دارد... ما رویهم رفته اثرات جنگ تا بحال از نظر ما مثبت بوده، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ نظامی، و تا به در دراز مدت از لحاظ اقتصادی هم میتوان ندرای ما مفید قرار بگیرد، ولی رویهم رفته ما از این جنگی که سرمایه حتمیل شده را رضی نیستیم" (جمهوری اسلامی، ۱۵ مهر).

از نظر آقای هاشمی رفسنجایی این جنگ خا نما نسوزاً از نظر سیاسی مثبت است "چرا که لاسد بخیا ل باطل میتوان نند به تحکیم تثبیت جمهوری اسلامی بپردازند، انقلابیون را سرکوب کنند، بر توهم توده ها سافزا بند و بگوشند تا به عسنت دا منهنجران انقلابی را کاش دهند. "از نظر نظامی مثبت است، "چون که به تقویت ارتش فذخلقی میپردازند، هر چند که هزاران تنس از زحمتکشان کشتار میشوند." از نظر اقتصادی مثبت خواهد بود "چون که با لاینگا و موسسات اقتصادی ایران و عراق به ویرانه تبدیل میشوند، دسترنج زحمتکشان کشور ما صرف خریدار سلحه از امیرالیستها میشود، گران، قحطی و بیکاری زحمت - کشان ما را رانحورتر میکند، می بینند فلاکت توده ها از نظر رفسنجایی مثبت تلقی میشود چرا که بقول هاشمی رفسنجایی:

"یک رفاه طلبی بعد از انقلاب در مردم وجود داشت که مردم فکر میکردند که این اسفلال بلافاصله می بایستی گاه زهر نظر برای آنها رفاه میاورد. و این جنگ اما دگی در مردم اجباب کرد که چنانچه بخواهند انقلابشان را ادا مدهند، ضرورت محدودیتهای سعدادر انقلاب را بپذیرند." (همانجا).

آقای رفسنجایی رک و راست اعتراف میکند که جنگ از این نظر مثبت است که ما توانی انسان را در پاشخ به بنیاهای توده ها (آن بنیاهایی که توده ها برای پیش دست به انقلاب زده اند) می - توان ندرای مدت هر چند کوتاه سربوش بگذارند چرا که توهم افزایش یافته است. اما آقسبای رفسنجایی یک چیز را نمی توان ند بیند و آن این است که این جنگ نا توانی رژیم را آشکارتر کرده، دا منهنجران اقتصادی - سیاسی جامعه را افزایش خواهد داد. آقای وزیر صنایع و معادن نیز در این مسافه تبلیغ جنگ عسب نما نده میگوید:

"این جنگ تعمیلی از لحاظ اقتصادی پراز غیروبرکت برای ما ست." (جمهوری اسلامی، ۱۴ مهر).

این غیروبرکت برای کیمت آکا رگران که زحمتکار در جبهه، کار ریشتر در کارخانه و کراسی



پیشنهاد برای مطالعه (در رابطه با مسائل جنگ)

- لنین (ضمیمه پیکار ۷۶)
- صفحه ۳۸۶ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۴۶۰ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۵۰۳ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۶۴۸ منتخب آثار لنین (یکجلدی)

- ۱- جنگ و انقلاب
- ۲- اپورتونسم و ورشکستگی انترناسیونال دوم
- ۳- دفاع طلسمی انقلابی و معنای طبقاتی آن
- ۴- مبارزه با ویرانی و مسئله جنگ
- ۵- معنای انترناسیونالیسم چیست ؟

بگوئیم زما نیکه میگوئیم روندا بنده جنبش جنگ داخلی است نه معنی عامیانه آن، یعنی جنگ بوده ها علیه توده ها (مانند لنینان و...) است. البته این نیز نوعی جنگ داخلی است. منظور ما از جنگ داخلی به معنای مارکسیستی آن یعنی جنگ علیه بورژوازی داخلی و کلبه سمگسگران داخلی است. لنین میگوید:

"کسی که مبارزه طبقات را قبول دارد نمی-تواند جنگهای داخلی را که در هر جا معیه طبقاتی بیثباته ادامه و تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوصا اجتنابنا پذیر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد... نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دجا ر شدن به مستها درجه اپورتونسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است."

(لنین - برنا مه جنگی انقلاب پرولتاریائی) بنا بر این می بینیم که جنگ داخلی سر علیه طبقات حا که داخلی است (بخلاف جنگهای رها شیبش که بر علیه متح و زین خارجی صورت میگردد) نتیجه اجتنابنا پذیر مبارزه طبقاتی است. ذکر این مطلب که روند عمومی جامعه روند عمومی جامعه گسترش مبارزه علیه طبقات حا که داخلی است و خطر "متح و زین خارجی" (کودتا، تنها جم و...) و جنگ ملی و آزادیبخش جنبه عمده ندارد. ما تا تکیه بر جنگ داخلی در حقیقت معتقدیم که "مبارزه با امپریالیسم و مسازره با ارتجاع داخلی جدا نیست."

رفیق ز

در مورد زبان "پیکار" انتقاد کرده بودی که برای زحمتکشان فهم آن مشکل است. باید سه نکته را در این باره توضیح داد:

اول - در مورد اینکه زبان پیکار همچنان توده ای نیست و تا حدی مشکل است، حق با توست. مسائلاش کرده ایم تا زبان پیکار را ساده تر کنیم. برای مثال تومیتوانی پیکار ۷۵ و ۷۶ را بخوانی و در مورد آن نظریه دهی. اما این واقعیتی است که هنوز موفق نشده ایم در این راه کاملاً به هدف خود برسیم. در این مورد رفقائی چون تومیتوانند با نوشتن مطالبی به زبان ساده برای درج در پیکار ما را کمک کنند.

دوم - در مورد برخی مقالات که صورت ترویجی و یا نیمه ترویجی است، زبان آن نیز تا گزیر مشکل تر از زبان یک مقاله تبلیغی با افتاکبری است و اگرخوا هم زبان آن مقالات ترویجی

رفیق م-ج

از دقت و هشاری و برخورد فعال نسبت به "پیکار" در رابطه با وظایفش بی نهایت سپاسگزاریم. رفیق در مسائل در مورد وظیفه رفا در برابر اعزام مقضیان خدمت ۵۶ پرسیده بودی در توضیح باید بگوئیم: موضع ما محکوم نمودن جنگ ارتجاعی بین رژیم ایران و عراق است. بنا بر این شرکت در جنگ را درست نمیدانیم و بر آن صحه نمیدانیم اما همانطور که در ضمیمه شماره ۲ پیکار ۷۵ نوشته ایم، بحریه جنگ از سوی ما از موضع سوسیالیستی صورت نگرفته است و قاطعانه با آن مرز بندی داریم. بنا بر این ما حتی حاضریم در جنبه ها شرکت کنیم، اما نه برای جنگ، بلکه برای تبلیغ علیه جنگ! از این رو رفقائی که مجبورند در ارتباط با اعزام مقضیان ۵۶ به جنبه بیرون، میبایست تا تکیه بر مواضع ما در این زمینه نداشته باشند. مخلصا نه علیه جنگ و سازماندهی توده ها بر ضد جنگ بردارند. دست ترا به گرمی میفشارم!

رفیق م-ح

درود گرم ما را بپذیر! ما ت رسید، پیشنهادت مورد توجه قرار گرفت. خواسته بودی در مورد جنگ داخلی توضیح بدهیم تا مردم آن را جنگ علیه یکدیگر تصور نکنند. در توضیح باید

رفقا، هنرمندان مبارز هوادار سازمان!

عکسها، طرحها و نقاشیهای هنری - انقلابی خود را برای درج در نشریات سازمان، برپائشی نما بشکاه و... از هر طریقی که میتوانید در اختیار ما قرار دهید. در این رابطه میتوانید با ارسال ایده های قالب و نقاشی، ما را در عرضه طرحهای غنی، ترساری رسانید. رفقائی عکسها، طرحها، نقاشیها و... خود را حتما همراه با یک حرف و یک عدد بفرستید تا ما سواسیم بوسیله آن گذشته از اعلام رسیدش در صفحه یا سخ به نامها در صورت لزوم و از طریق همان صفحه شما ارتباط بگیریم:

- ۱ - رفقای محلات (کود) عکسهای قالب شما را رسد حتما از آنها استقا ده خوا هم کرد.
- ۲ - رفیقات، طرح پیشنهادت دیت رسید.
- ۳ - از رفیقی که یکی از طرحهای ارسالش در صفحه ۶ پیکار ۷۳ چاپ شده میخواهم که با تحریریه ارتباط بگیرد. بیروز باش!

رفقا! تعداد زیادی از نامه ها ثی که بدست ما میرسد، نامه ها ثی است که رابطه مستقیم با "نشریه پیکار" ندارد، بویژه نامه ها ثی مربوط به مسائل درون تشکیلاتی برای ما فرستاده میشود که ما ما به بخشهای دیگر تشکیلات ارتباط دارد. مثلاً نامه ای در مورد انتقاد از فعالیت تشکیلاتی سازمان در فلان منطقه یا نامه ای در انتقاد از مسئول فلان منطقه و غیره. این نامه ها مربوط به همان بخشها ثی است که رفا در آن فعالیت میکنند و آنها را باید به ارگان بالاتر خویش بدهند. از اینرو تا تکیه بر رفا میخواهم که تنها نامه ها ثی را برای ما ارسال دارند که مربوط به "نشریه پیکار" است.

بیروز باش! - تعداد زیادی نامه از رفا بدستمان رسیده است که در مورد مسئله "بورژوازی تجاری سنی" توضیح خواسته اند، ما ضمن ستایش از دید اشتغالی و برخورد فعال رفا که خواهان شناخت عمیق از مواضع سازمان هستند و برای حل هر موضوعی را قبول نمیکند، برای اطلاع رفا باید بگوئیم که ما بزودی در پیکار رتئوریک به این مسائل برخورد خواهم نمود.

رفیق و-د

نظرات و پیشنهادت را ت رسید. از آنجا که پیشنهادت را ت در رابطه با تحلیل توا جنگ ایران و عراق و این تحلیل با موضع سازمان نظامی ندارد لذا از پذیرش آنها معذوریم. موضعگیریها و روشمادهای ما در مورد جنگ ایران و عراق و وظایف کمونیستها در مقابل آن در بیانیه ها و ضما شیم پیکار... توضیح داده شده است. علاوه بر این ما در پیکار رتئوریک نیز بصورت مشروحت در توضیح نظراتمان و بویژه مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای سیاسی با این مسئله برخورد کرده ایم که بزودی منتشر میشود.

رفیق از افغان

نامه ات رسید. انتقاد کرده بودی که مواضع سازمان در مورد ما هیت حزب جمهوری، قدرت سیاسی، کودتا و... در ارگانها ش شریع نشده است و این باعث میشود که در برخورد به دیگران نتوانی کاملاً موضع سازمان را توضیح دهی. ما ضمن پذیرش انتقادات چنانکه گفتیم، تلاش میکنیم با انتشار پیکار رتئوریک به این مسائل مهم برخورد کرده، مواضعمان را بصورت کاملاً هنری بیان کنیم. بیروز باش!

را بر زبان خیلی ساده بنویسیم، به محتوای آن لطمه می زند.

سوم - نشریه مرکزی "پیکار" نمیتواند تنها بد خودش را تا سطح توده های مردم "باشین" بیاورد بلکه با بدبگو شد سطح توده های میانی مردم را "بالا" بکشد. نشریه پیکار برای توده های پیشرو و آگاه طبقه کارگر و سایر برزحمتکشان است و اگر سطح خود را از (جهان نظر زبان و جهان نظر محتوی که در ارتباط لاینفک با یکدیگر است) پایین بیاورد، به نقش نشریه پیکار که سازمانده، رهبری کننده و ارتقا دهنده توده های آگاه است، لطمه وارد میشود. در همین رابطه برای آنکه به مضمون مطالب پیکار لطمه ای وارد نشود، رفقا موظفند که این مطالب را خود به زبان ساده برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهند. ما در مورد این مسئله بصورت کاملاً مفصل در سلسله مقالات مربوط به "نشریه و وظایف آن" توضیح خواهیم داد. در ضمن میتوانی به کتاب "گرایش فهراشی در سوسیال دمکراسی روسیه" از نین رجوع کنی تا نقش نشریه مرکزی برایت بیشتر روشن شود. بیسروز باشی! سازمان برای ما نامه بنویس.

● توضیح در مورد مقاله

"امپریالیسم آمریکا، باز هم در فکر کودتاست"

نامه های بسیاری در مورد مقاله مزبور که در پیکار ۲۱ چاپ شد، بدستمان رسیده است. ما ضمن تشکر از رفقای که با بنویسند و بدستمان انتقادی نسبت به نشریه، به نقد این مقاله پرداخته اند، پاسخ کوتاهی در این باره میدهم مضمون این مقاله بهیچوجه با موضع سازمان در همین زمینه مطابقت نداشت و اکثر رفقا و اعضا و هواداران نیز خود متوجه چنین تناقضی شده اند در پاسخ این سؤال که اگر مضمون این مقاله با موضع عمومی سازمان مطابقت نداشته است پس چرا با بدچنین مقاله ای در نشریه پیکار سیاه، با بدتوضیح دهیم که اگرچه نشریه پیکار بیان کننده مواضع سازمان و کمیته مرکزی است ولی گاه اتفاق می افتد که یکی از رفقای هیئت تحریریه در نوشته خود دچار لغزش و یا انحسراف میشود و ممکن است این لغزش و انحسراف "هیئت تحریریه" حال بدلیل عدم کنترل کافی و یا همخوانی آن با این موضع، مورد سرخور و توضیح قرار بگیرد و نتیجتاً آن مقاله علیرغم آنکه با مواضع سازمانی خوانائی ندارد در پیکار درج شود. بدیهی است که در چنین صورتی، هیئت تحریریه موظف است که در اولین فرصت توضیح تصحیحی خود را نسبت به آن مقاله در نشریه بیاورد. اکنون با توجه به توضیحات فوق باید گفت که مقاله فوق الذکر چنین وضعیتی نداشته که علیرغم عدم تطابق مضمون آن با مواضع عمومی سازمان در این زمینه در نشریه درج میشود و طبیعتاً میبایست در اولین فرصت توضیح لازم در باره آن داده میشد که از این جهت نشریه هیئت تحریریه انتقاد وارد است.

و ما در مورد مضمون این مقاله باید بگوئیم که تحلیل عمومی سازمان از روند جامعه همانطور که در شماره های متعدد پیکار آمده روند جنگ داخلی است نه کودتای امپریالیسم و نه فاشیسم البته این تحلیل بمعنای ندیدن امکان کودتا نیست ولی آنچه که اهمیت دارد اینست که علیرغم وقوع چنین کودتاهای از سوی امپریالیسم آمریکا، روند عمومی جامعه را به کدام موسی - بسینم که تحلیل ما در این مورد دینصراحت روی جنگ داخلی تکیه دارد و این همان نکته اصلی ای است که در مقاله کودتا بدان توجهی نشده و متقابلاً "خطر کودتا" را عمده کرده است.

علاوه بر این انحراف، مقاله اینجا و آنجا که طبعاً جدا از کل تحلیل نیست و خود مقدمات نتیجه گیری نادرست فوق را فراهم میسازد، دچار انحرافات دیگری نیز شده است و اینجا که آمده: در صورت وقوع کودتا بخشی از خسرده - بورژوازی مرفه سستی از آن جاسداری خواهد کرد و با اینکه لیسراها متحداً از کودتا جانبداری خواهند کرد، با آنجا که لیسراها را مدافع بر و با قریص و تکیه گاه اصلی رژیم جمهوری ندانسته و آنها را در کنتر بورژوازی وابسته خارج از قدرت مخالف رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکند و بالاخره اعتقاد به اینکه امپریالیسم آمریکا با توجه به ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سگروب خلق و سازمان سازی نظام سرمایه داری وابسته، جای هیچگونه سازمانی نمی بیند و دلستن به آن را بسپوده تلقی میکند، همانطور که در بالا اشاره کردیم تحلیل عمومی سازمان با تمام مسوار د فوق اختلاف داشته و از آنجا که ما موضع اثباتی خود را در این زمینه ها قبلاً ارائه داده ایم از توضیح مجدد آنها در اینجا خودداری می کنیم.

● رفیق ح-س ۲۶۵

گزارش از پادگان عشرت آباد مربوط به اعزام وادطلبان برای جنگ بدست ما رسید. در مورد موضع گیری سازمان در قبال آلبانی، به پیکار شماره ۷۵ (پاسخ به نامه ها، سالگرد انقلاب چین) میتوانی رجوع کنی. پیرو باشی!

● رفیق الف-ورلمین

برای شناختن تاریخچه سازمان میتوانی به کتاب "تفسیر و تحولات سازمان مجاهدین سال ۵۲ - ۵۲" رجوع کنی. موفق باشی!

● رفیق ح-س

نامه ات رسید. در نامه نقل قولها شی از رفیق انور خوجه آورده بودی که وی "ما شو" را ما رکسیست - لنینست کسرو... میداند، البته قبل از مرگ ما شو، حزب کارآلبانی چنین اعتقادی داشت. اما بعد از مرگ ما شو، وی را یک ما رکسیست - لنینست، بشما رزمی آورد. برای پی بردن به این مطالب میتوانی به کتاب "امپریالیسم و انقلاب" انور خوجه رجوع کنی. دست ترا به گرمی میغشا ریم.

بقیه از صفحه ۹

جنگ...

تنامی جنگهای غیرعادلانه معاشب جنگ را باید زحمتکشان تحمل کنند. آیا سرمایه داران خودشان در جنگ شرکت می کنند؟! البته گه گه! اما حاکمان هر دو کشور خودشان، در جنگ گشته می شوند، زخمی می شوند و خسارت می بینند؟ آیا زهم نه! آنها فرزندان مردم را قربانی می کنند تا خودشان حکومت کنند. آنان برای منافع خودشان است که این جنگ ها را راه می اندازند. بهمین دلیل است که ما نباید در این جنگ شرکت کنیم دفاع از خود یعنی کسب قدرت سیاسی و برقراری حکومت زحمتکشان اگر غیر از این باشد، هر نوع دفاعی از این جنگهای ارتجاعی شمشیرزدن در رکاب طبقه حاکم است، هر نوع شرکتی در این جنگ، دامین زدن به جنگی است که علیه زحمتکشان است در جنگی که برده داران با یکدیگر می کردند، تنها بردگان بودند که گشته می شدند. در جنگ بین ملاکان و زمینداران، این سرمایه داران و دهقانان بودند که معاشب جنگ را تحمل میکردند. در جنگی که سرمایه داران و مترجمین نیز علیه یکدیگر به راه می اندازند، تنها کارگران و توده های زحمتکش هستند که قربانی جنگ می شوند. آیا قربانیان چنین جنگی، با بدبا شرکت در جنگ علیه یکطرف و به نفع دیگر، به گسترش جنگ کمک کنند تا وارگی و فلاکت خودشان را بیشتر کنند؟ با بدخواهان قطع جنگ کردند؟ آیا اگر موقعیت مناسب بود در سنگونی هیات حاکمه و دفع متجاوزین و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان بکوشند؟ ما میگوئیم: در جنگ غیرعادلانه، جنگی که بین دونیروی ضد خلقی برای تأمین منافع خودشان صورت می گیرد مردم نباید شرکت کنند، چرا که آلت دست منافع سرمایه داران و حاکمان می شوند. نباید بد شرکت کنند، چرا که با شرکتشان در جنگ، جنگ دامین زده میشود و رفقا! برای خلق ستمدیده، چیزی جز مرگ و بدبختی و فلاکت نیست. مردم ما باید در جنگی شرکت کنند که عادلانه باشد یعنی جنگی که برای از بین بردن ستم و استعمار و در دفاع از منافع خودشان و برای کسب قدرت و برقراری حکومت انقلابی خودشان باشد. رهبر کارگران جهان، لنین میگوید: **جنگ** **آدمیه است است به شکل قهرآمیز، اگر سیاست** **ما مبارزه علیه ارتجاع داخلی، علیه امپریالیسم** **و در دفاع از منافع زحمتکشان است، در جنگ** **نیز با بدچنین سیاستی را دنبال کنیم، تنها** **چنین جنگی را عادلانه و برحق و قابل دفاع می** **- دانیم و بهمین دلیل جنگ کنونی را که غیر** **عادلانه است محکوم میکنیم.**

رفقا م - ج. م - ج. علی گاو باشی، ب. د. م، ف. م - ت. آبا دان والف - ی نامه ها پستان **رسید. دست نگ تکتان را به امید موفقیت می -** **فشاریم و امیدواریم بتوانیم با بهره وری** **از انتقادات و پیشنهادهای پتان، سبک کار خویش** **را اصلاح کرده و تکامل بخشیم.**

پیروزی باشد

با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۷)

پس هر کجا که مشرکین را دیدید، آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و محاصره نمائید



۱۲ اردیبهشت

امروز یکمان هتم، اکنون در پست نگهبانی این خاطر را مینویسم. بعد از یک ماه کتابت چگونه فولاد بدیده شد؟ شاتروفسکی را تا مکردم. کتابی است با سخنان روشنی از نتیجه‌های مبارزاتی فراوانی از آن گرفتم. نویسنده کتاب، خاطر زندگی خود را در این کتاب بطور جدا و بسیار عالی درج کرده است. اوسمی کرده فضای خاطرات خود را محکم کند و واقعاً این کار را بخوبی انجام داده است. گورجالین قهرمان داستان، پیرویده یک خانواده زحمتکش است که پدرش را در سن کودکی از دست داده، او از همان کودکی بعلت فقر به کارهای پرزحمت میپردازد و از تحصیل محروم میماند. او در دوران زندگی پر زحمت و روح، بزودی کرایش طبقاتی خود را میباید دور آرمایان طبقه کارگر مبارزه میکند. او از آن خود ما میگذارد و تا آنجا که می تواند به پیشبرد مبارزه طبقاتی با یاری میکند. کتابت بعد موثر است که تصمیم دارم دوباره آنرا بخوانم.

در این مدت نسبت به چند سرباز کینه عسیمی در من ایجاد شده است. این چند مزدور نسبت به کردها همان ابراز عقیده میکنند که کوشی از طرف دولت احیر شده اند تا آنها را قتل عام کنند آنها هر عقیده مخالف را در گروهان بند سرکوب میکنند و به آن مارک "کمونیستی" میزنند. البته چون نظام و دولت حامی و پشتیبان آنهاست تا اندازه ای در سرکوب موفق شده اند. همه سربازها با طغیان آنها مخالفتی نمی توانستند آنرا ابراز کنند. نظیراً بگونه مزدوران در هر قشر و طبقه ای یافت میشوند که خود را به قدرت و پول میبروشند. در این حالت آنان دیگر جز "قشر و طبقه خود نیستند. بلکه نوکران و عاملین سرمایه داری اند و همین دلیل مورد نفرت زحمتکشان فرار می گردند.

تا امروز نمی از سربازها از طریق هوا، به سقر زفته اند. اما ما با قی مانده ایم و منظریم تا وضع مان روشن شود. امروز تعداد دیگری از مردم به یادگان آمده اند. اما تعداد همه آنها از پانصد نفر تجاوز نمی کند.

۱۳ اردیبهشت

دودسیا و غلظت سرفراز شهرهای سیره ایجاد کرده است. این از حصارهای دودا بکس است که بر روی شهر و اطراف آن می اندازند تا سربازها و پادها بتوانند بشتری کنند. دیشب در ادبوی جمهوری اسلامی ششم که شهر

سندج به دست ارتش و پادها در آن تصرف شده است ولی واقعیت سربازان است. شهر مقاومت میکند و همچنان می حکم. کشتاری که بدست نیروهای مسلح رژیم انجام شده غیر قابل تصور است. کویا در شهر از زبانی گشته، اراضی مری شوع پیدا کرده است و مردم را زلحاط غذا و بهداشت و وضعیت بدی دارند.

بقیه از صفحه ۵ یاد...

ما رزحرفه ای با شما موجود فعالیت انقلابی مشغول شد. در جریان شورش دوم ارتجاع سه کردستان (۲۸ مرداد ۵۸) رفیق در کنار خلق کرد و در سگرمایان بیکار در جنبش مقاومت (سندج) فعالانه شرکت نمود.

رفیق عطا نسبت به انتقادات و وضعیایش هیچگونه گذشتی نمی کرد و منو به درختانی از انضباط بدبختی در کار تکنیکالی و سیاسی بود. وی همواره میگوید از روی بنا را و دستورالتهات تکنیکال حرکت کند و در این راه سخت ترسنت ما مورث ها را با رعایت خاطر می پذیرفت.

با دوا و با آن خصلت انقلابی، سرخورد های صمیمی و گرمش که بر اساس آنها می توانست بر احوالی و با سرعت با نوده های زحمتکش را بطه عاطفی انقلابی سرفراز کند و بدر آگاهی را در دل آنان بنیاد، به همسگران و رفقاییش بسرو خواهد بخشید. رفیق سراجا هر روز شنبه ۵۹/۷/۱۲ هنگام اجرای یک ما مورث پادگان در حاصه سقر - با نه همراه رفیق دیگری بوسله مزدوران جناات بسته دشمن شناسائی شده و مورد حمله

الان که دارم اس یادداشت را می نویسم، سربچه کردی در آستانگاه ما است، او جز آنها نیست است که به یادگان آمده اند. در عرض این مدت، این مردم توانسته اند سربازها و درجه داران روابط خوبی بوجود آورند. بچه ها در اطراف آستانگاه بازی میکنند و گاهی به آستانگاه می آیند. چهره های کودکان نشان، رفتن را دلینند - شان محبت عجبی در دل سربازان ایجاد میکند. بزرگجگ در کناری استاده است، رفقا هم صدایش میکنند و او را از او می پرسند. نگاهش به آهویچه ر میماند. میگوید که بسیار ده سال دارد. از او می پرسیم که پدر ما درش کجا هستند، جواب میدهد: ما درم تیر خورده و در بیمارستان است. آنگاه خودش به حرف می آید و با لحن شیرینش تعریف میکند که ما در آمده

قرار میگیرد. دور رفیق بدبختی، قهرمانان سه میرومند. رفیق همراه موفق میشود سربازان را از متقابل طبقه محاصره را بشکند. ولی رفیق عطا مورد امانت تا رنگ دشمن قرار گرفته و در حالیکه زخمی بود دستگیر میشود. و با شکنجه های وحشانه شهادت میرسد. مزدوران رژیم مدتها محل درگیری را با خمیا ره میگویند. رفیق عطا اینک شهادت رسیده است، اما او به یقین "خاری جاودان در روشن فرداست."

ما که او را از نزدیک می شناختیم و با خیال انقلابییش آشنا هستیم بخون پاکش سوگند یاد میکنیم که قاطعانه ترو بیگانه تر از پیش تا پای جان در کنار خلقهای قهرمان ایران برای سرفراری جمهوری دمکراتیک خلق علیه ارتجاع و امیرالسم سربازها داده ایم.

سروز با دمرازات عادلانه خلق کرد سنگ و نفرت بزرگواران خلقهای ایران درود بر همه شهدای بخون خفته خلق سارمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (کمیته کردستان)

۱۳۵۹/۷/۱۲



نقشه از صفحه ۶

همکاری را با خدا انقلاب شما بند و گرنه با شدیدترین وجه محازات خواهند شد. ۱. مأمردوران رژیم جمهوری اسلامی، مفاد مورد توافق خود را نیز زیر پا گذاشتند و در جاده مبارزه با عدو رسای دی از مردم را دستگیر کردند و از ساعت ۸ شب بسودن هیچ بهانه‌ای شهر را محاصره ساران نمودند.

۵۹/۷/۲۱ حدود ساعت ۹ صبح حملات وحشیانه ارتش و پاسداران فزونی یافت. هنگام شش رزمندگان خلق کرد، پیشمرگان قهرمان، بصورت پراکنده ضرباتی در محل استقرار نیروهای ضد خلق به آنها وارد کردند.

۵۹/۷/۲۱ شهر همچنان زیر محاصره و گلوله‌های تفنگ ام-۱۶ فدخلق قرار داده و بعد از ظهر این روز سه تا یک که از تبه قاضی بطرف "دانشا محید" حرکت میکردند مورد حمله شجاعانه پیشمرگان این فرزندان قهرمان خلق کرد، قرار گرفتند و افراد آن کشته و زخمی شدند. شب هنگام پیشمرگان ضربات جانانه‌ای به پاسداران در نقاط مختلف شهر وارد کردند. از جمله در خیابان شایبور سابق

یک زرهپوش مورد اصابت آری-بی-۷ پیشمرگان قرار گرفته و منهدم گردید.

۵۹/۷/۲۱ این روز، روز خیزش مسلحانه توده‌های زحمتکش خلق کرد و پیشمرگان حتمش مفاومت خلق در مها با دسر علیه مزدوران حاکمیت جمهوری اسلامی بود. ارتش و پاسداران در تمام نقاط استقرار خود، مورد حملات بی‌امان جان - سازان خلق کرد واقع گردید. وسروهای فدخلق به علت ضربات سنگینی که از دست خلق خورده بودند، با چار شدن از فرمانداری، محل شورا، خانه - پیشاهنگی را دیوولتویزیون و دخیانیات عقب - نشینی کنند. در جریان فرار اس مزدوران یک تا یک جفتن و یک آمبولانس حامل بغرات مسلح مزدور در اثر حملات پیشمرگان منهدم گردیدند.

شهر در اختیار و کنترل پیشمرگان قهرمان قرار گرفت. ارتش و پاسداران همچنان از یادگان وتبه "دانشا محید" شهر را به سرکشی گرفته بودند. تعداد دشدها لظه به لظه فزونی می یافت فدخلق تصمیم به ناسودی شهر و قتل عام مردم بیدفاع گرفته بود.

۵۹/۷/۲۱ ارتش و پاسداران، شهر را به تسوی بسته بودند. آنها بدون هیچ ملاحظه تمام نقاط شهر را با تمهاریه منهدم میکردند. حتی مساحده محصل اسفرا را مادیگران و مجروحین بود از آتش ضد خلق در امان نبود. ۲. میولانسها و ماشینه‌های آتش - نشانی قدرت حرکت نداشتند، آتش از تمام نقاط شهر، شعله ور بود. پیشمرگان قهرمان در مقابل اینهمه جنایت و قساوت جنایتکاران فدخلقی، قدرت تحرک خود را از دست داده بودند. آنها برای نجات مردم بیدفاع از بمباران توسط ارتش فدخلق چاره‌ای جز ترک شهر نداشتند. مردم بیدفاع دسته دسته شهر را ترک میکردند. فدخلق، زنان و کودکان بیدفاع را قتل عام میکرد زیرا "پیروزی" فدخلق نمی توانست عملی شود جز با قتل عام وحشیانه خلق قهرمان کرد. آنها با ردیگر با ملاحظ حاکمیت جنایتکارانه خود را به سهای قتل عام مردم میساده، به سهای ۵۰۰ کشته و بیش از ۵۰۰ زخمی از مردم در این شهر برقرار ساختند. آری میساده فغرق در آتش دشمن و غسون زنان و کودکان و مردان بیدفاع گردا ست.

اخباری از شهرستانها
● مسجد سلیمان
نوطه اخراج معلمین

درواز ۵۹/۶/۲۱ در ادها مساسهای ضد دمکراتیک رژیم مبنی سرکوب انقلابیون ۲۷۲ نفر از فرهنگیان محصلمان که اکثر آنها معلمین انقلابی و مبارزون بودند در طی مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران برای سرکوبی رژیم شاه دلاورانه مبارزه می کردند، اخراج شدند. این اقدام که نشانه هراس رژیم از آگاهی توده هاست آنچنان عجلانه و مسخره بود که پیش از این رژیم را فاش میکرد. احکام با کسای هنگی بسیار عجلانه نوشته شده بود، حتی برای برخی از معلمین دوبا رجکم نوشته بودند و با تاریخها اکثر خط خوردگی داشت. چرا که این احکام در ۵۹/۶/۲۱ نوشته شده بود، منتها بر روی آنها کوشیده بودند تا ریخ ۵۹/۶/۵ (یعنی تاریخی که قبل از پاسگان با کسای مقرر شده بود) را بنویسند. نکته دیگر اینکه رژیم، عده‌ای از عناصر

وابسته به رژیم شاه و ساواکهای خاش را نیز همراه این عده اخراج نمود، تا قضیه را لو ت کند، این توطئه هم چنانکه در ادها انقلابیون همراه با فحشا و با قا قا قجیان دیده ایم، نمی - تواندنجا بنتهای رژیم را بیوشاند.

● قزوین
از قحطی و گرانی مردم
تنگ آمدند

■ قحطی و گرانی ناشی از اوضاع ناسامان اقتصادی مردم را به ختم آورده است. مردم زحمتکش مجبورند برای خرید اغلب کالاها در صف - های طولانی معطل شوند. در هفته اول مهر ماه یکی از اهالی زحمتکش آبیک (که مسئولیت خانواد خود و برادرش که در تماش دف کشته شده است را دارد) پس از مدت‌ها انتظار در صف فقط یک قوطی روغن موتور گیرش می آید و چون در مقابل اعتراض او و مفازدهاری اعتناتی نمیکند عصابی شده و فریادهای به محاحب مفازده میزند که در نتیجه وی بر زمین افتاده و می میرد.

سودا ز حیاط آب سرد ارد، تیریا رملسل آمد، تیریا و خورد، دیدم که او را به داخل بکشم، ما درم گفت تیریا که تیریا خوری، گفتم: اشکالی ندارد که من تیریا خورم، شما نیاید تیریا خورید، برای اینکه ما را بزرگ و نگهداری کنید... دیدم که نش است و بعد از تیریا خوردن ما درم به پاسگان آمدیم.

چهره‌های متفادی دار در زندگی، سرباز بر روی مردمی اسلحه میکشد که آنها را دوست می- دارد. ای سرما به داری! ای قدر زشت و تنفر آوری! امروز اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان را در پاسگان خواندم. در اطلاعیه نوشته شده که مواد غذایی و مهمات آنها جمین "تام شده است و پاسداران نقاط حساس شهر را گرفته اند. این یک دروغ بزرگ است. شهر مفاومت میکند و مفاومت فوق بشری! هرگز گمان نمیگردد که نیروی مردم اینقدر زیاده باشد.

بالای اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان یک آیه نوشته شده است. در زیر آیه معنی اش را نوشته اند: "پس هرگاه که پیشمرکین را دیدید، آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و معا صر نهما نبید."

این است نظراً ارتش و حکومت نسبت به مردم کردستان. مردم زحمتکشی که مثل ما هستند. برادران ما هستند و گناهی ندارند جز آنکه فحشان را می خواهند.

۱۴ اردیبهشت
پاسگان از میولانسها که بهر جمعیسند دارند پر شده. امروز آتش بس اعلام شده است تا برای بودن احسان در ساران ارتش اقدام کنند. از صبح آمده حرکت بودیم. ساعت ۱۰ صبح بود که اعلام حرکت کردند. وسایل و کیمه‌های انفرادی را به کامیون بار کردیم تا به فرودگاه که در عین حال میدان مسجده هم هست بپرو خودمان تیر

به آساحا رفسیم. در میدان دولهلیکوی پتر شسته بودند. آمده حرکت بودند. پس از یک ساعت انتظار، نسیمی از سربازان و درجه داران بطرف فخر حرکت کردند. ما در انتظار با زنگت آنسان برجا ما ندیم. درجه داران و سربازان با یادگان در کنار میدان بر سه میزند و با کسکهای می بگریستند. بعضی از آنها جلومی آمدند و سئوالاتی در مورد رفتن ما از ما می پرسیدند. ساعت ۱۲/۵ بود که یک هلیکوپتر به زمین نشست. ۴۰ نفر که سرو صورت خود را با تال پونا ده و کلا ملاح بودند، از آن بیاده شدند و در کنار میدان منتظر بنسند. بعد از یک ربع پیرو ی

خیلی تعمیری به میدان آمد و در کنار آنها توقف کرد. مردمی با لباس کردی و شالی به گردن که اسلحه‌ای به کمر بسته بود از زپو بیاده شد و با چهار نفر مسلح صحبت کرد و بعد از پایان صحبتها پیش ما ما شین رفت. بعد از دقایقی حبیب پاسداران مستقر در پاسگان به میدان آمد و آن چهار نفر را با خود برد. ساعت ۳ بعد از ظهر بود که دولهلیکوپتر بازگشتند. ما ساعت بدی هوا پرواز ما به هم خورد و فرارنده که فردا حرکت کنیم. دوبا ره بسه تا پیشگاه برگشتیم. آتش بس با بان یافته و اکنون دوبا ره صدای تیراندازی شروع شده است. امروز درست ۱۴ روز است که از آغاز جنگ میگذرد. (ادامه دارد)

اخبار جنگ

زنده سوزاندن اسرای جنگی جنایت است
یک کماندوی ارتش تعریف مکرر کرده عده‌ای از اسرای ارتش عراق را بداخل نگرهای خود ریخته و آنها را به آتش کشیده اند و اسرا کما ملاً سوخته اند. یکی از حاضرین گفت که "این حرکت ضد اسلام است" و در جواب کماندو میگفت که: "جنگ اسلام پرش نمی‌شود". این گوشه‌ای از رفتار ارتش ضد خلقی با اسیران جنگی است.

۱۲ مهر:

در این روز خلخال غلادیس از اعدام تعدادی از عربهای سوسیست که با آنان آمد. مسز دوران عراقی پس از ورود به سوسیست برای فریب زحمتکشان "اطلاعات ارضی" کرده و سپس مردم بیزین تقسیم کردند و "شهردار" و "فرماندار" انتخاب نمودند. خلخال پس از خروج عراقیها از سوسیست و اردان شهرتند "شهردار" و دیگر افرادیکه با عراقیها همکاری کرده بودند اعدام کرد. او پس از ورود به آبادان در محاصره ای با "رادسویست ملی" خطاب به مردم آبادان گفت: "هر کسی را دیدید با ما دست است بداند و جیبی است و در کیف او اعلامیه است." او پس به نیروهای سیاسی از جمله سازمان ما حمله کرد و گفت: "وقتی آنها را میگیری و میکوشی کجا میروی؟ میگویند میروم جنبه جنگمکولی و قنسی کتف او را با میکشی پرازا اعلامیه پیکار، فدائی و ما ثوئیت است که به رژیم جمهوری اسلامی نویسن میکند" وی خطاب به مردم گفت که "کسانی که کیف در دست دارند آهسته راه میروند و پشت سر خود را می‌پایند، اینها جیبی هستند و اعلامیه دارند. مردم نما او را بگیرید و تحویل ارگانهای انقلابی دهید!" دشمنی این مرتجعین با نیروهای انقلابی حد و اندازه‌ای ندارد. حتی در زمان جنگ شدت هم می‌یابد.

۱۵ مهر:

طبق خبرهای رسیده حقوق کارگران پالایشگاه را تنها ما پرداخت نمیکنند بلکه حدود ۱۰۰ هزاره آنان میدهند. و بهانه ما ورنه که بعثت بسته بودن فرودگاهها پول به آبادان نمیرسد. اولین دودهای جنگ ارتجاعی بضم کارگران زحمتکشان میروند.

خرمشهر - تقریباً تمامی مناطق صنعتی به خرابه تبدیل شده اند. آثار رگولوله های سب و راکت و خمپاره در سراسر شهر به چشم میخورد. تیرهای برق کشنده شده و وسط خیابانها افتاده اند. احداث سوخته، تانکهای عراقی و ایرانی سوخته در خیابانهای شاه آباد، طالقانی و... دیده میشود. "سپاه رستمان مقدس" در هم کوسیده شده و هیچکس در آن نیست.

۱۶ مهر:

اهوار - اجابت خمپاره های ارتش ارتجاعی عراق به ناحیه جنوبی اهواز از شدت حمل شروع و تا ظهر امروز ادامه داشت و تعداد زیادی کشته بر جای گذاشت. بیش از ۷۰ درصد کشته این منطقه شهر را ترک کرده اند. از مناطقی که هدف توپهای عراقی قرار گرفت یا نگاه از اندام مرئی و کارخانه نورد و فاع در جاده اهواز - خرمشهر است. در اثر اجابت خمپاره مدرعرا مل و جندتن از کارکنان سوردکشته شده اند و لی از تلفات با نگاه غبیری در دست نیست. حملات ارتجاع به نیروهای انقلابی شدت یافته است. با ساداران سرمایه به کلیه منازل که اسلحه دارند حمله کرده و اهالی منزل را دستگیر کردند. اغلب این اسلحه ها با دادن تخمین و برای دفاع از سگرهای مناطق از اسلحه کوفته شده اند.

در ساعات خاموشی، با ساداران عاریسین را تفتیش کرده و مورد بازرسی قرار میدهند و از آنها کارت شناسایی میخواهند.

خانهای سنجایی آزاد شده اند

روز ۹ مهر ۵۹ دکتر کریم سنجایی همسراه فرخ سنجایی (که فراری بود) او برج خان سنجایی (او هم فراری بود) او را در کرمانشاه دیدند. ورود کریم سنجایی موجب تعجب مردم شد و سراسر محام معلوم شد که دکتر سنجایی برای تشکیل "سبج عتاری" وارد کرمانشاه شده است و هدف دیگرش آزاد کردن سمرخان (برادرش) با هما رخان سنجایی کریم خان صفائی و محمدخان سنجایی است.

روز ۱۲ مهر خنهای سنجایی زندانی (که در بالا اسمان آمد) در ساعت ۳ بعد از ظهر از زندان آزاد شدند. آنان با قول همکاری برای تشکیل سبج عتاری مرخص شدند و قرار است توسط کریم سنجایی "ماهدهشت" و "سنجایی" ادغام شوند. فرمانداری کرمانشاه نیز از کلبه خوانین منطقه خواسته است که در سبج عتاری شرکت کنند. جنگ حملی و ارتجاعی بیش از همه ارتجاع را متحد میسازد. ماهیت باصلاح مخالفت رژیم جمهوری اسلامی با خوانین و مشود الهائش ترورش میگرد.

جرا عراق از کردستان قهرمان نمی تواند حمله کند؟

ادامه و شدت یافتن درگیریهای دوزخیم ارتجاعی ایران و عراق برای ارتش جمهوری اسلامی مشکلات جدیدتری را ایجاد کرده است. پرسنل نظامی حاضرین سندانها محرکهای گذشته چون حقوق و مزایای رایج به حاکم داده میسازد و برای جلوگیری از بی نظمی آنان مرابضای بیشتری به حقوق آنان اضافه شده است. ارتشیان بیش از پیش از زبانان جنگ صحبت میکنند و سرخی از آنان که کم هم هستند برای خلاصی از جنگ به کودتا شئی توسط ارتش دل بسته اند. در میان ارتشیان، بخاطر جنگ بحثهای سیاسی بیشتری در باره اوامج و جامعه و نقش ارتش در میگذرد. پرسنل راجع به نیروهای سیاسی صحبت میکنند و پیوسته در مورد کردستان صحبت میکنند و اینکه نیروهای انقلابی و پیشمرگه های قهرمان خلق کرد کوکترین اجازه نمی‌دهند و زنی به نیروهای ارتجاعی

سخنی دیگر بارها! در مورد نحوه خبرنگاری و گزارش دهی

ما قبلاً نبرها با سخن گفته ایم و حواسنا را بطنه فعال شما با خبریه مان گنهام، اکنون با ردیگرنا کیدمی کسیم برای بوده ای نرسدن بیکار لازم است هرا نفا فی که در کارخانه، روستا، محله، شهر، مدرسه، اداره و... می افتد لافا طله به بیکار گزارش کند. از مسائلی که با عدم مورد تبلیغ و ترویج قرار گیرند، از مسائلی مورد علاقه بوده ها، از چگونگی زندگی و مبارزه سوده ها، ما را مطلع کنید.

۱- اخبار وقایعی که در اطراف شما بوقوع میبوند و با اخباری که از دیگران شنیده اید بر شرط موقی بودن بر ایمان نفرسند توجه داشته باشید تا زما سیکه کما ملا مطمئن به درستی خبر نیستید اسرا بر ایمان نفرسند. در تنظیم خبر به مسائل زیر توجه کنید:

- خبر را بدکلا ما با ندیدین نرسند که عتاری زبر را در بر داشته باشد:
- که؟ شخص، اشخاص، احزاب، گروهها و یا طبقات اجتماعی، ارگانهای دولتی که در واقع شرکت دارند و با واقع بنحوی به آنان مربوط میسود.
- چه؟ موضوع و نوع واقعه، یعنی آنچه واقعه را تشکیل میدهد.
- چرا؟ علت و انگیزه ای که سبب ایجاد واقعه شده است.
- چگونه؟ تشریح چگونگی وقوع و سبب آن کیفیت و ترتیب واقعه و بیان مختصر سبب حراتی که بوقوع پیوسته است.
- کی؟ زمان وقوع، روز، ساعت، زمان تاریخی.
- کجا؟ مکان وقوع واقعه.

ممکن است یک خبر شما عتاری مرفوق را در سندانها شما با ندیدیم یا خبر هر چه کذا ملیر در برگیرنده عتاری مرفوق باشد.

۲- گزارشات منبی بر چگونگی زندگی و مبارزه سوده ها را برای ما نفرسند، اسن گزارشات با بدبیا نگر شرایط عممی زندگی سوده ها (دست مزد، ساعات کار، شرایط کار در کارخانه ها و مزارع و... و نیز روابط میان طبقات گوناگون با کدیگر و...)، وضعیت ذهنی سوده ها (انواع حرکات مبارزاتی، اعتصاب نظا هرات... دیدشان نسبت به هیئت حاکمه و نیروهای انقلابی، آرزوها، خواسته ها و تمایلاتشان و بطور کلی خلق و جوی سوده ها) و نحوه شرکت نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در مبارزات سوده ها (نحریات تبلیغ، ترویج و سازماندهی، بخش اعلامیه، فروش نشریات، چگونگی بقیه در صفحه ۱۰)

رژیم عراق سادانه اند در حالیکه رژیم سبت براحتی امروزهای غربی و جنوب غربی ر دشده است

تضادهای درونی هیئت حاکمه همچنان لاینحل است

جنگ ایران و عراق، گرچه "جنگ قدرت" را در میان دو جناح بورژوازی ارتجاعی تا حدودی کاهش داده اما از بین نبرد و اختلافات کماکان باقیست. در آغاز هفته، روزنامه‌ها خبردعواها و فحاشی‌های "لسبرالها" و "حزب جمهوری‌زادرمجلس" منتشر شدند. طرفداران حزب جمهوری که مسئله سفارت برایشان تبدیل به "دکان برادرآمدی" شده است، سخا طر نفوشتان در مجلس، لسبرالها را که خواهان مذاکره با آمریکا بر سر گروگانها بودند، عقب‌رانده و گروگانها، این متاع توهم - رای توده‌ها را همچنان در اختیار خود گرفتند. جنگ البته تبلیغات دو جناح را سوی دیگری میکشاند. اما اختلافات کهنه را با رنگ تازه کرده یعنی صدور لسبرالها سیاست خارجی حزب جمهوری را مورد حمله قرار داده و اقدامات آنها را که مغایر با "عرف دیپلماتیک لسبرالها" است اعلامی دانستند که "به عراق در جنگ کمک میکنند" و در عوض ایران را در صحنه جهانی منزوی میازند. لسبرالها که خواهان تسریع عادی شدن روابط با کشورهای امپریالیستی هستند، کوشیدند تا از این جنگ بعنوان عاملی برای تقویت خود در حکومت استفاده کرده و از نظر سیاسی با مطلق حقاقت نظرات خود را تبلیغ کنند، آنها که در مورد ارتش توانسته بودند رقیب خود را به عقب رانده و نظرات ارتجاعی‌شان را به کرسی بنشانند در مورد سیاست خارجی با مقابله حزب جمهوری - جناح‌های دروغین فدا میربا لیبستی‌اش موجب شده است تا بخش زیادی از پایه‌های توده‌ای‌اش را حفظ کند و واقع‌سفارت... بعنوان عامل بسیار روهام فزایشی استفاده کرده است. حاضر نیست به خیمه‌ش بازی‌اش پایان دهد. بعلاوه حزب برای حفظ مناسبات سرما به داری وابسته و سرکوب انقلاب چنین سیاستی را با کشورهای دیگر لازم میدانند و چنین است که در دو زمین بیابانه - اش در باره جنگ (جمهوری اسلامی، ۱۷ مهر) میگوید که انقلاب اسلامی ایران "بهیچوجه منزوی نیست" و دلیل آنهم این است که عراق به ایران حمله کرده است!

علاوه بحث سربازان و اعدام‌انزوا که پوششی است برای دو سیاست جداگانه ارتجاعی در مورد مسائل خارجی در گرفته است. کجیها، میزان و انقلاب - اسلامی در یکطرف و طرف دیگر آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی و "مردم" حزب ضدتوده که

نقشه در صفحه ۱۷

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

جنگ طلبی برای جلوگیری از انقلاب

یکی از محورهای مهم تبلیغات رژیم بحزب تقویت ارتش و بسند خدمت با انقلابیون، مسئله جنگ طلبی رژیم است. رادیکال‌ترین و مطبوعات رژیم، دانشجویان حزب جمهوری، وزراء و کلا مجلس، نخست‌وزیر، رئیس جمهور و آیت الله خمینی همه از جنگ تعریف میکنند. لسبرالها در سرفعاله کجیها ۱۲ مهر میگویند: "جنگ جسر حوسی است". سنی مدر را زانو انداختن سخن میکوبد و آیت الله خمینی هم خمینندی ۸ مهر خود را ارائه میدهد. آنها نهرهای بیماران شده‌زنان نبوده و گارگان سکار رنده و گرانسی و بیماری... و انمی سمنند. آسان در این جنگ بدنمال نشست حوسن، سوار شدن بهتر بر کرده توده‌ها،

نقشه در صفحه ۱۸

درود بر شهدای زحمتکش ایران و عراق!

مدها تن از زحمتکشان مین ما بوسله تنها جرم رژیم عراق در دزدن فول، هوا، آب و آبدان، خرمشهر، تهران، تبریز و... به شهاده رسیده اند در بیماران مناطق مسکونی بغداد، موصل، کرکوک، سلما نیه و... چندصد تن از زحمتکشان عراق به شهاده رسیده اند. آری این جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما فقط فلاکت و بدبختی و گشتار به ارمغان میاورد!

تسلیت به خلق قهرمان الجزایر!

مهر طبیعت بکما ریدر کگلوی زحمتکشان شهر "الاسلام" در الجزایر افتد. گزارشهای اولیه حاکی از کشته شدن بیش از ۲۵۰۰۰ نفر ورخمی و آوارگی دهها هزار نفر از مردم این شهر است. ما این مصیبت و فاجعه بزرگ را به کارگران و زحمتکشان و خلق الجزایر و سوسیژه ما زما ندگان مقتولین این حادثه تسلیت میگوئیم!

سالگرد

سلطت تراکم مطالب، متاسفانه توانستیم با دنا مه رفتاری شهید سیمین تاج خربری و محمدرضا خوندی اعضای بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق را در این شمسهاره سباریم. در شمار آئینده ما با این رفقا را گرامی خواهیم داشت.

پوزش

بعث خواندنی نقد فیلم "مبارزین با سگ" که قسمتهای سوم و چهارم آن باقی مانده است، متاسفانه به دلیل تراکم مسائل روز نمیتوانیم در "پیکار" سباریم. امیدواریم شما بین بعث را همراه با مقالات دیگر هنری مشابه در سبک مجموعه به خوانندگان تقدیم کنیم.

منتشر شد:

جنگ و انقلاب

پیکار

جنگ و انقلاب

۱-۱-۱۱

«تشکیل سمینار رفقای دانشجوی هوادار سازمان در خارج از کشور»

سمینار سراسری "دانشجویان هوادار سازمان" بکار در راه آزادی طبقه کارگر "از تاریخ ۲۲-۱۸ سپتامبر شرکت سنی از مدنیفر از هواداران در سربرمینتی (اسلام) برگزار گردید. در این سمینار رفقا موفق به تصویب اساسنامه موقت و تشکیل "تجارتیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور" (هوادار سازمان) بکار در راه آزادی طبقه کارگر گردیدند. همچنین سه نفر بعنوان مسئولین موقت تعیین شدند که در اولین فرصت نسبت به تدارک و سرگزاری اولین کنگره اقدام نمایند. ما گزارش مفصل این سمینار را در شماره‌های آئینده درج خواهیم کرد.

★ ★ ★

رفقا! با خوشبودی فراوان، تشکیل سمینار موفقیت آمیزتان را شما تبریک گفته و امیدواریم، کنگره آئینده شما هم موفقیتها و دستاوردهای سازمان سربرسی از سوی رفقا بوده باشیم. سبروز ساید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست